

بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به رفتار بزهکارانه در میان حاشیه نشینان و غیر حاشیه نشینان (مطالعه موردی دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر ایلام)

دکتر سید سعید زاهد زاهدانی* و مسعود الماسی**

چکیده

از مسائلی که امروزه ذهن بسیاری از اندیشمندان و عالمان علوم اجتماعی را به خود مشغول نموده، حاشیه‌نشینی و پیامدهای آن از جمله رفتارهای بزهکارانه است. رفتار بزهکارانه را می‌توان آن دسته از رفتارهای انحرافی برشمرد که توسط جوانان کمتر از ۱۸ سال صورت می‌گیرد، اما شدت آن رفتار در حدی نیست که مستوجب مجازات‌های قانونی و اجتماعی شود و می‌تواند از دید جامعه و فرهنگ حاکم، مورد چشم‌پوشی قرار گیرد. پژوهش حاضر تلاش دارد تا از نظر تجربی عوامل مرتبط با گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه مناطق حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین شهر ایلام را با یکدیگر مقایسه نماید. روش پژوهش پیمایشی بر اساس طرح مقطعی است و اطلاعات مورد نیاز به صورت نمونه‌گیری ترکیبی، با توزیع پرسشنامه در بین ۳۶۸ نفر از دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهر ایلام جمع‌آوری شده است. ارزیابی یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار علوم اجتماعی (spss) حاکی از وجود رابطه بین متغیرهای سن، داشتن مجرم در خانواده و خرده فرهنگ زبانی در میان غیرحاشیه‌نشینان و متغیرهای معدل و استفاده از تولیدات فرهنگی داخلی در میان حاشیه‌نشینان و متغیرهای رشته تحصیلی، نظارت خانواده، صمیمیت بین اعضای خانواده، آشنفگی خانواده، تعلق

* استادیار بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز.

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه شیراز.

خاطر به مدرسه، تعداد دوستان بزهکار، وابستگی به دوستان و استفاده از تولیدات فرهنگی خارجی در میان پاسخگویان هردو گروه با گرایش دانش آموزان به رفتارهای بزهکارانه است.

واژه‌های کلیدی: حاشیه نشینی، بزهکاری جوانان، فقر، مناطق شهر، مهاجرت.

مقدمه

از مهمترین مسائلی که امروزه ذهن بسیاری از اندیشمندان و عالمان علوم اجتماعی و دیگر علوم مربوط را به خود مشغول نموده، حاشیه نشینی و پیامدهای آن از جمله افزایش جرم و بزهکاری است. رشد لگام گسیخته جمعیت شهری، با ایجاد و افزایش نابرابری‌ها در بافت شهری، باعث سکونت در حاشیه شهرها و گسترش حاشیه شینی و زاغه نشینی شده است. حاشیه نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند و جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر نشده‌اند (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۰: ۶). به همین مناسبت است که آنان از خدمات شهری استفاده کمتری می‌کنند. خانواده‌های تهی دست و غالباً مهاجر که در نوعی فرهنگ فقر زندگی می‌کنند، بطور کامل جذب شیوه جدید زندگی شهری نشده و در حاشیه آن به زندگی ادامه می‌دهند (بیات، ۱۳۸۴: ۱۶۱) و کمتر در محور برنامه‌های حمایتی دولت قرار دارند. در این بخش از شهر، فقر، ویرانی، مسکن نامناسب، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، فقدان آسایش لازم، مسائل بهداشتی، کمبود فضا‌های شهری و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل و زلزله، به وفور یافت می‌شود، که البته به موارد یاد شده باید اوصافی چون وجود زمینه عدم امنیت، جرم زا بودن و نیز مامن و پناهگاه امن برای بزهکاران را اضافه نمود.

بزهکاری به معنای تعدادی متغیر از اعمال ارتكابی علیه احکام قانونی که می‌تواند ماهیت‌های مختلفی داشته باشد، وجه مشترک تمام جوامع انسانی است و صرف نظر از موضوع اختلاف ماهیت، این اعمال تقریباً همیشه توسط قانون تعریف و پیش بینی می‌شود (مشکانی و رضوی، ۱۳۸۵) و بر حسب عمق و شدت عمل انحرافی، به دسته‌های کوچکتری مانند: بزهکاری شدید (حملات شدید، سرقت، استفاده از سلاح گرم در سرقتها و ...) و بزهکاری ملایم (تخریب کیوسک تلفن، شکستن لامپ، پاره کردن صندلی و ...) تقسیم شده است (Agnew, 1991: 59).

بر این اساس فرد بزهکار کسی است که به ارتکاب رفتار ضد اجتماعی یا قانون شکنی متهم است؛ ولی به علت اینکه به سن قانونی نرسیده، مانند یک مجرم بزرگسال، مجازات نمی شود. یعنی رفتار بزهکارانه را می توان آن دسته از رفتارهای انحرافی برشمرد که توسط جوانان کمتر از ۱۸ سال صورت می گیرد، اما شدت آن رفتار در حدی نیست که مستوجب مجازاتهای قانونی و اجتماعی شود و می تواند از دید جامعه و فرهنگ حاکم، مورد چشم پوشی قرار گیرد.

مردم مناطق توسعه نیافته و محروم روستایی که از مشکلات معیشتی و بیکاری رنج می برند، اغلب تنها گزینه پیش رو را مهاجرت به طرف شهرها می یابند، اما چون سکونت در مرکز شهرها، هزینه های زیادی دارد، برخی از آنان با توجه به توان مالی اندک و سطح سواد و تخصص پایین، در اطراف شهرها طیف حاشیه نشین ها را تشکیل می دهند. به عبارت دیگر به دلیل نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی به حاشیه شهر رانده می شوند و معضلی به نام حاشیه نشینی را به وجود می آورند. نوع مسکن و وضع بهداشت نامناسب، وضعیت اشتغال، تراکم بالای جمعیت و محدود بودن میزان خدمات اجتماعی (خدمات شهری، مراکز تفریحی، آموزشی، بهداشت و آب و برق) از ویژگی های مناطق حاشیه نشین هستند. شرایط فوق، به ظاهر حاشیه شهرها را جزء مناطق مستعد ارتکاب جرم قرار داده و پتانسیل ارتکاب انواع جرایم را در این مناطق افزایش می دهد.

با وجود اهمیت وافر این مسئله و مشکلات فراوانی که در دامن خود می پروراند، لازم است پیگیری جدی در این زمینه صورت پذیرد. در این راستا، پژوهش حاضر تلاش دارد تا از نظر تجربی عوامل مرتبط با گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دانش آموزان مقطع متوسطه مناطق حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین شهر ایلام را مورد بررسی قرار دهد. در واقع سوال اساسی این است که چه عواملی می توانند با گرایش به رفتار بزهکارانه دانش آموزان ایلامی ساکن در مناطق مختلف شهر مرتبط باشند؟ و نقش هر یک از آن عوامل در بروز این پدیده چگونه است؟

استان ایلام با جمعیتی بالغ بر پانصد هزار نفر، علی رغم داشتن استعداد های انسانی و طبیعی فراوان، یکی از استانهای محروم به حساب می آید که با پدیده مهاجرت روستاییان، حاشیه نشینی و به تبع آن مشکلات ناشی از این پدیده است. الگوی شهر ایلام، نه از سر قاعده

و اصول شهروندی و شهرسازی صورت گرفته، که در نتیجه مهاجرت بی‌رویه روستاییان و گسترش آن، یک شبه ره صد ساله رفته است. تغییر و تحولات به وجود آمده در شهر ایلام و رشد و افزایش سریع جمعیت شهری و پی‌آمدهای فرهنگی، اجتماعی و فضایی آن و ظهور خصوصیات فرهنگی جدید و خرده‌فرهنگ‌ها، همچنین تنوع طایفه‌ها و بحث هم‌جواری‌شان با هم، و تأثیر همه این موارد بر امنیت شهر ایلام و نقش غیر قابل‌انکار موارد فوق در شکل‌گیری شخصیت نوجوانان و جوانان به‌عنوان آینده‌سازان جامعه، همچنین عدم انجام پژوهش‌های کافی در زمینه بزهکاری در مناطق حاشیه‌نشین شهر ایلام، ضرورت انجام این پژوهش را باعث شده است.

اهداف پژوهش

هدف کلی

بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر ایلام.

اهداف جزئی

- تبیین و توصیف وضعیت گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دانش‌آموزان.
- تبیین عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان و اولویت‌بندی آنها.
- مقایسه میزان گرایش دانش‌آموزان نسبت به رفتار بزهکارانه بر اساس حوزه سکونتگاهی.
- تبیین رابطه بین حوزه سکونتگاهی و گرایش به رفتار بزهکارانه.
- ارائه‌ی پیشنهاد‌های لازم در زمینه‌ی پیشگیری از بزهکاری در میان دانش‌آموزان.

سوالات پژوهش

- وضعیت گرایش به رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان شهر ایلام چگونه است؟
- آیا بین حوزه سکونتگاهی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه‌ای وجود دارد؟
- میزان تمایل دانش‌آموزان ساکن در مناطق حاشیه‌نشین در مقایسه با دانش‌آموزان مناطق غیر حاشیه‌نشین نسبت به رفتار بزهکارانه چگونه است؟

- چه عواملی در گرایش دانش آموزان به رفتار بزهکارانه مؤثر می‌باشند؟
- جهت پیشگیری از بزهکاری، چه اقداماتی در ارتباط با حوزه سکونتگاهی می‌توان انجام داد؟

پیشینه پژوهش

پیرامون مسئله مورد بررسی در پژوهش حاضر، تعدادی از مطالعات انجام شده توسط دیگران که در دسترس بود، به طور خلاصه در این قسمت بررسی و مرور شده و برای سهولت در انجام کار به دو دسته پژوهش‌های داخلی و خارجی تقسیم شده‌اند.

پژوهش‌های داخلی

بیانلو (۱۳۸۵) به بررسی رابطه بین عوامل جمعیت‌شناختی و بوم‌شناختی با نوع و نرخ جرم، و همچنین شناسایی نقاط جرم‌خیز و جرایم خاص هر منطقه از مناطق هشت گانه شهر شیراز پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای جنسیت، تأهل، شغل، ملیت، محل تولد، محل زندگی، ماه‌های دستگیری و حوزه استحفاظی کلانتری دستگیرکننده مجرم، رابطه معنی‌داری با نوع جرم دارند. همچنین رابطه تراکم جمعیت با متغیرهای نرخ قتل، جعل اسناد، کلاهبرداری، کیف‌قاپی و سرقت‌های عادی معنی‌دار است.

نقدی و صادقی (۱۳۸۵) نبود فرصت‌های شغلی و بیکاری را عامل اصلی انواع آسیبها و انحرافات اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین شهر همدان می‌دانند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که بخش عمده اسکان غیررسمی شهر همدان ناشی از مهاجرت‌های روستا شهری است و بیش از ۸۰ درصد خانوارهای مورد بررسی زیر خط فقر قرار دارند. همچنین حاشیه‌نشینان از شهر و محله زندگی خود رضایت بالایی ندارند و از احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردارند.

بیات (۱۳۸۴) پدیده حاشیه‌نشینی را در سیزده شهرستان استان تهران مورد بررسی قرار داده و نشان می‌دهد که در بعضی از شهرستان‌های تهران، تا بیش از ۸۰ درصد جمعیت را مهاجران تشکیل می‌دهند. در بررسی‌های به‌عمل آمده ساکنان این مناطق از میزان بالای جرایم و آسیب‌های اجتماعی منطقه خود شکایت داشته و ناراضی بودند. در این خصوص بیش از ۷۶ درصد اهالی

میزان خرید و فروش مواد مخدر را در منطقه خود بالا عنوان کرده‌اند.

کرامتی (۱۳۸۴) در «بررسی میزان احساس امنیت در بین حاشیه نشینان شهرستان های استان تهران»، ۸۰ درصد مشکلات مناطق حاشیه‌ای را خدماتی می‌داند که به دستگاه های غیر از نیروی انتظامی مربوط می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان احساس امنیت شهروندان حاشیه شهرستان‌های استان تهران، بیش از شهروندان تهران بزرگ است. همچنین سطح سواد و تحصیلات نیز در میزان احساس ناامنی نقش دارند، به گونه‌ای که بیشترین میزان احساس ناامنی مربوط به افراد با تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر است.

احمدی و ایمان (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تمایل حاشیه‌نشینان بر رفتار بزهکارانه» به بررسی تأثیر فرهنگ فقر حاکم بر خانواده‌های حاشیه‌نشین شهر شیراز بر تمایل جوانان به رفتار بزهکارانه می‌پردازند. نکته قابل توجه این پژوهش، انتخاب برخی حوزه‌های سکونتگاهی جنوب شهر شیراز - که به لحاظ وضعیت اقتصادی مشابه جامعه مورد مطالعه می‌باشد - به عنوان گروه مقایسه^۱ به منظور آزمون رابطه فرهنگ فقر با بزهکاری جوانان است. یافته‌های حاصل از تجزیه پراکنش دو سویه^۲ بیانگر رابطه معنی‌دار بین حاشیه‌نشینی و مؤلفه‌های فرهنگ فقر با رفتار بزهکارانه و تعامل بین حاشیه‌نشینی و مؤلفه‌های فرهنگ فقر در رابطه با رفتار بزهکارانه جوانان می‌باشد.

امجدیان (۱۳۷۵) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر عوامل فرهنگی در بروز بزهکاری جوانان شهر کرمانشاه» انجام داده است که مسئله اصلی این پژوهش، تبیین جامعه‌شناختی به منظور شناخت تأثیر عوامل فرهنگی در بروز انحرافات اجتماعی جوانان بوده است. ارزیابی یافته‌ها و نتایج پژوهش حاکی از آن است که فرضیه اصلی یعنی قشربندی اجتماعی و فرضیه شکست تحصیلی در بالاترین سطح اطمینان تأیید شده‌اند. سایر فرضیه‌ها که عبارت بودند از: مهاجرت، تأهل، بعد خانوار، طلاق، معاشرت با دوستان بزهکار و نحوه گذران اوقات فراغت مورد تأیید قرار نگرفتند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر چه قشربندی اجتماعی در یک جامعه شدت یابد، افراد بیشتری بزهکار خواهند شد. همچنین بیشتر بزهکاران جوان، دارای شکست تحصیلی هستند.

پژوهش‌های خارجی

آرمنگل^۱ و همکاران (۲۰۰۶) روابط متقابل ساختار اجتماعی و تبادل اطلاعات را در زمینه اشتغال و بزهکاری مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. این پژوهش یک مدل پویا را که در آن افراد به دو گروه مشخص تعلق داشتند، مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که اگر شغل افراد نامناسب و ارتکاب جرم سودآورتر از آن باشد، باید زمانهای بیکاری افراد کم باشد و برای مدت طولانی بیکار نمانند، زیرا آنها برای ارتکاب جرم آسیب پذیر می‌باشند. همچنین سیاستی که تنها بر اساس تنبیه و بازداشت استوار است، در کاهش جرم و بزهکاری کافی نخواهد بود و بایستی با سیاستهای مرتبط با کنش های اجتماعی هماهنگ باشد. (Armengol 2006).

تاوانچی^۲ و همکاران (۲۰۰۵) پژوهشی پیرامون سوء استفاده از کودکان مهاجر و خطرات آن برای سلامت روانی آنها در منطقه حاشیه‌نشین پاتومتانی^۳ بانکوک تایلند انجام داده اند، که هدف آنها اندازه گیری درجه شیوع اختلالات روانی عمومی، استفاده جسمی، استفاده و نوشیدن مشروبات الکلی و سوء استفاده از کودکان در خانواده است. ارزیابی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر بچه‌های مورد بررسی، مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند. سابقه سوء استفاده زیاد بوده و همبستگی مستقلی با اختلالات روانی عمومی و استفاده جسمی داشته است. ۴۳ درصد کودکان مهاجرین مناطق روستایی، بیشتر مستقل، بالای ۱۵ سال سن و در جستجوی کار به بانکوک مهاجرت کرده بودند. از دیگر نتایج تحقیق همبستگی مستقل مهاجرت تنها در بین مردان با مسایل روانی است (Tawanchai, J, 2005).

مافی (۱۹۹۶) در پژوهشی با روش اسنادی و کتابخانه ای و با فرض اینکه عامل اقتصادی نقش تعیین کننده ای در ارتکاب جرم و جنایت دارد، به بررسی رابطه مهاجرت با بزهکاری در شهر وین می پردازد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که از میان مهاجران خارجی افرادی که از درآمد پایین تری برخوردارند، بیشتر مرتکب جرم و جنایت شده اند، به نحوی که بیشتر بزهکاران خارجی در محلاتی سکونت دارند که دارای ساختمان های از رونق افتاده و ارزان قیمت می باشند (مافی، ۱۳۷۸).

احمدی (۱۹۹۵) در پژوهشی که در منطقه "ایلاوارا"^۱ی استرالیا بر روی ۶۰۰ نفر از جوانان ۱۸-۱۱ ساله انجام داده است، نشان می‌دهد که بزهکاری جوانان با قومیت و مهاجرت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سن، جنس و نفوذ گروه‌های همسال رابطه معنی‌داری دارد.

وزارت مسکن و شهرسازی آمریکا (۱۹۹۴) به منظور بررسی تأثیر فقر محلات شهری بر میزان بزهکاری نوجوانان، طرح "حرکت به سوی فرصت" را در پنج شهر لوس آنجلس، بالتیمور، بوستون، شیکاگو و نیویورک به مورد اجرا گذاشت. این طرح در شهر بالتیمور به بررسی خانواده‌های بسیار فقیری که در یکی از پنج محله فقیرنشین این شهر ساکن بودند، پرداخت. تحلیل کلی اجرای این طرح در شهر بالتیمور نشان داد که محلات، تأثیر چشمگیری بر میزان ارتکاب نوجوانان به بزهکاری دارند و هرچه میزان فقر در سطح محلات شهری بالاتر باشد، میزان ارتکاب نوجوانان در این محلات به جرایم خشونت‌آمیز بیشتر خواهد بود. بر این اساس ایجاد فرصت برای اسکان خانواده‌های ساکن مناطق فقیرنشین در محلاتی که دارای نرخ پایین تری از فقر هستند، می‌تواند منجر به کاهش میزان ارتکاب نوجوانان به جرایم خشونت‌آمیز شود. همچنین با توجه به این که به‌طور میانگین میزان بزهکاری مردان بیشتر از زنان است، نتایج به‌دست آمده از این طرح حاکی از میزان بالای ارتکاب پسران به جرایم مالی و خشونت‌آمیز نسبت به دختران است (هرشفیلد، ۱۳۸۴).

لافون و میشو^۲ (۱۹۷۶) تحقیقاتی در شهر گرانبویل فرانسه انجام داده و به روشنی مشخص کرده‌اند که اطفال بزهکار بیشتر در ساختمان‌های ناسالم و برخی از محلاتی که برای سلامتی اخلاق زیان‌آور است، ساکن بوده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که بزهکاری جوانان در ساختمان‌های مخروبه و این محلات از حد متوسط مجموع بزهکاری شهرها زیادتر بوده است. در واقع (۱۸ درصد) بزهکارانی که جرایم گوناگون مرتکب شده‌اند، اغلب در محله‌های مخروب و ناسالم ساکن بوده و (۳۵ درصد) آنها کسانی بودند که در ساختمان‌ها و محلات بدنام و فاسد ساکن بودند. این پژوهشگران در پایان رابط محیط سکونت و بزهکاری را تأیید می‌نمایند (مسعودی‌فر، ۱۳۸۵).

مروری بر نظریات

بیرامون مسئله مورد نظر می‌توان نظریات را در گروه‌های زیر دسته‌بندی نمود:

1. Ilawara
2. Lafon and Michoux

۱- نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی

این نظریه‌ها عمدتاً بین رفتار انحرافی و عواملی چون سن، تراکم جمعیت، مذهب، کار، فقر، رشد جمعیت و شهرنشینی همبستگی معناداری قائلند (بنی اسدی، ۱۳۸۳: ۳۲). از لحاظ این نظریه، جامعه به واسطه مجموعه‌ای از انتظارات یا نقش‌ها سازمان یافته است. بی‌سازمانی اجتماعی، زمانی پدید می‌آید که آن انتظارات برآورده نشود و به سه شیوه عمده، نمود می‌یابد:

بی‌هنجاری^۱: زمانی ظاهر می‌شود که افراد، فاقد قواعدی‌اند که نحوه رفتارشان را مشخص کند.

تضاد فرهنگی^۲: زمانی رخ می‌دهد که افراد احساس کنند که گرفتار قواعد متضاد هستند. درهم ریختگی: زمانی اتفاق می‌افتد که اطاعت از یک مجموعه قاعده پاداش نیابد یا فی الواقع موجب مجازات شود. (کورنبلوم، ۱۳۸۰).

۲- نظریه‌های کارکردگرا

کارکردگرایان جامعه را همچون اندامی بزرگ در نظر می‌گیرند که اجزایش، ارتباط درونی با هم دارند و مسایل اجتماعی، گسیختگی‌های این نظامند. این چشم‌انداز بر آن است که مسایل مربوط به نهادهای اجتماعی، الگوهای انحراف را ایجاد می‌کنند. آنها سرچشمه مسایل اجتماعی را برنیامدن آرزوهای اجتماعی، پدید آمدن بی‌هنجاری و آشفتگی و تضاد فرهنگی می‌دانند. علاوه بر آن، مسایل اجتماعی را ناشی از عملکردهای غیر شخصی نهادهای موجود در گذشته و حال دانسته و به منظور بهبود سازمان‌های اجتماعی، تحقیق و دخالت فعال را توصیه می‌کنند (کورنبلوم، ۱۳۸۰).

۳- نظریه انحرافات مرتون

مرتون علت ریشه‌ای انحرافات را شرایط ساختی جامعه می‌داند و بر خلاف دورکیم معتقد است که فرد در جامعه به ارزش‌ها و هنجارها توجه زیادی ندارد و به جای اعتنا به آنها، هنجارها را در معرض انتقاد قرار می‌دهد. به نظر وی دو ساخت اساسی در جامعه وجود دارد، یکی

اهداف نهادی شده و دیگری وسایل نهادی شده که ارزش‌ها و امور مطلوب و شیوه‌های استاندارد کنش برای رسیدن به آن اهداف در جامعه است. تعامل بین این دو ساخت موجب بروز رفتارها و شخصیت‌های مختلف و گاه متناقض در جامعه می‌شود. به نظر مرتون، چهار تیپ مناسک‌گرا^۱ یا شعائرگرا، انزوا طلب^۲، نوآور^۳ یا بدعت‌گذار و انقلابی^۴ یا شورشی در کنار هم‌نویان^۵ معلول شرایط جامعه و برخورد این دو ساخت هستند که هر کدام شیوه خاص انطباق فردی با این دو ساخت است. یکپارچگی و انسجام در جامعه هنگامی است که میان این دو ساخت اساسی تعادل وجود داشته باشد. اما اگر اهداف و ارزش‌های نهادی شده مانند منزلت و ثروت در جامعه تبلیغ شود و جامعه‌پذیری، ارزش‌ها و هنجارها، آموزش و پرورش و رسانه‌ها و تبلیغات بر آن تأکید ورزند و در کنار آن وسایل دسترسی به این اهداف وجود نداشته باشد، تیپ‌های مختلف شخصیتی و رفتاری بروز و ظهور می‌یابند (ناظم زاده، ۱۳۸۳: ۶).

۴- نظریه بوم‌شناختی

نظریه بوم‌شناختی^۶ در مکتب شیکاگو^۷ را جامعه‌شناسانی چون پارک^۸ و برجس^۹ که در زمینه جامعه‌شناسی شهری مطالعه می‌کردند، مطرح نمودند. آنان در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شهرنشینی ارتباط داشتند، نظیر؛ زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه‌های سکونتگاهی و تراکم جمعیت تمرکز کردند. نظریه پردازان دیدگاه بوم‌شناسی استدلال می‌کنند که اندازه جمعیت، تراکم اجتماعی و سکونت و نساماهنگی اجتماعی در ارتباط با زندگی شهری منجر به تخریب حمایت‌های اجتماعی و روابط نزدیک و جایگزین آنها با مکانیزم‌های رسمی کنترل رسمی و غیر شخصی و سازمان‌های بوروکراتیک می‌شود. بر اساس این دیدگاه زندگی در نواحی کلان‌شهرها، به بی‌برنامگی، آشفتگی، آنومی و خصایصی چون ضعف پیوندهای اجتماعی و از بین رفتن حمایت‌های اجتماعی منجر می‌شود. زندگی در این محیط‌ها به فشارهای فیزیکی و روانی برای مهاجران منجر می‌شود، به طوری که به آنها احساس از خود بیگانگی و جدایی

-
1. Ritualism
 2. Retreatism
 3. Innovation
 4. Rebellion
 5. Conformity
 6. Ecological Theory
 7. Chicago School
 8. Park
 9. Burgess

دست می‌دهد. بنابراین در صورتی که این مدل اتفاق بیفتد، مهاجران در محیط‌های شهری به‌طور قابل توجهی با چالش‌هایی در حفظ سلامت روانی و فیزیکی مواجه می‌شوند، به طوری که نظام حمایت اجتماعی برای آنها ضعیف می‌شود (Schwirian, 1993: 287). به اعتقاد پارک و برگس اقلیت‌ای قومی هنگامی که به عنوان مهاجر وارد کلان‌شهرها می‌شوند، از فرهنگ همگن خود جدا شده و به‌عنوان یک خرده‌فرهنگ وارد گروه‌بندی‌های ساکنان شهری می‌شوند. فرایند تبدیل گروه‌های اقلیت به گروه‌های خرده‌فرهنگی همراه با پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین^۱، ساکنان این منطقه را مستعد رفتار انحرافی می‌کند. سکونت در زاغه‌نشین‌های شهر^۲ موجب پیدایش خرده-فرهنگ بزهکارانه گردیده و به شیوع جرم و بزهکاری منتهی خواهد شد (ساجارا، ۱۹۷۸، به نقل از احمدی، ۱۳۸۴: ۵۶).

۵- نظریه‌های تضادگرا

تضادگرایان خصیصه اصلی جامعه را تضادهای ناشی از نابرابری‌های مربوط به طبقه، نژاد، قومیت، سن، جنس و دیگر تقسیمات عمده می‌دانند که موارد مذکور اغلب سبب ایجاد ارزشهای متضاد می‌گردند. این چشم‌انداز مسایل اجتماعی را وضعیت‌هایی می‌داند که با ارزش‌های جامعه همخوانی ندارد. آنها سرچشمه‌های مسایل اجتماعی را گروه‌های دارای ارزش‌های گوناگون و میزان‌های متفاوت قدرت که با همدیگر مواجهه و رقابت دارند، می‌دانند (کورنیلوم، ۱۳۸۰).

۶- نظریه آسیب‌شناسی برزخ

اساس این نظریه مبتنی بر جامعه در حال گذار و انتقالی است، انتقال از یک شیوه معیشت و مناسبات حاکم بر آن به یک نظام اجتماعی و شکل‌بندی دیگر با روابط خاص خود. این نظریه مبتنی بر ابعادی سه‌گانه است که هر بعدی بیانگر بخشی از جامعه برزخی است. به عبارت دیگر این نظریه، تبیین‌کننده وضعیت جامعه‌ای است که در آن سه وضعیت به‌سر می‌برد و هر وضعیت دارای ویژگی‌های خاص خود است. در این نظریه، برزخ بر جامعه‌ای دلالت دارد که

در حد فاصله دو پارادایم^۱ (به تعبیر کوهن^۲) یا دو اپیستم^۳ (به تعبیر فوکو^۴) قرار می‌گیرد ولی از آنجایی که جامعه، قشربندی شده است، در واکنش به تغییر اجتماعی - که به منزله محرکه جامعه در حال گذار تلقی می‌شود - یکسان و هم‌نوا عمل نمی‌کند. ورود یک عنصر جدید (مادی یا غیر مادی) به جامعه باعث می‌شود که واکنش‌ها در قبال آن یکپارچه نباشد و هر گروهی، قشری و طبقه‌ای به تناسب وضعیتش در نظام قشربندی به آن عکس‌العمل نشان دهد. بر این اساس می‌توان حداقل سه نوع واکنش را به تبع چگونگی وضعیت اقتصادی - اجتماعی افراد جامعه در حد فاصل دو پارادایم انتظار داشت. این پارادایم را می‌توان پارادایم سنت و مدرنیته نامید و بر این اساس، سه نوع واکنش در حدفاصل این دو پارادایم عبارتند از:

بخشی از جامعه در حال ترک اپیستم پیشین است. چنین فرایندی شامل انقطاع از شیوه معیشت مناسبات و روابط اجتماعی پیشین است. این بخش شامل افراد و گروه‌هایی است که یا موج تغییرات اجتماعی را دیرتر دریافت کرده یا به واسطه قابلیت‌های روان‌شناختی خاص خود در برابر آن مقاومت کرده است، لذا بر همین قیاس دیرتر به پیامدهای عصر جدید برخورد می‌کنند، در عین حال بخشی از عناصر اپیستم قبل را با خود به نظام جدید همراه دارد.

بخشی از جامعه که در حد فاصل دو اپیستم قرار می‌گیرد، شامل افراد و گروه‌هایی است که از نظر نظام ارزشی و فرهنگی احساس خود باختگی، ازدگی و بی‌هویتی می‌کنند؛ بنابراین بیش از بخش اول پذیرای آسیب‌ها هستند.

بخش سوم که در حال دستیابی به اپیستم جدید بوده، اما هنوز نه کاملاً بدان وصل شده و نه کاملاً از وضعیت بلا تکلیفی که در حال گذر از آن است، رهایی یافته است. در چنین وضعیتی بخشی از عناصر اپیستم پیشین در این فرایند انتقال یافته به اپیستم جدید منتقل می‌شود، اما از آنجایی که در اپیستم جدید فاقد کارکرد و بعد عقلانی است، موجد بسیاری از تناقضات ساختی می‌شود.

آنچه که در این سه مقطع به عنوان وجه مشترک تلقی می‌شود، این است که در هر سه دوره نوعی تعلیق و بلا تکلیفی فرهنگی دیده می‌شود، که حاکی از عدم استقرار و تبسیت یک

1. Paradiyme
2. Cohn
3. Episteme
4. Foucoult

اپیستمه نوین و عدم حاکمیت روابط و مناسبات آن اپیستمه بر افراد است (قاسمی، ۱۳۷۹: ۵۶).

۷- نظریه‌های خرده فرهنگی

کوهن با بررسی پسران بزهکار، نظریه خرده فرهنگی را با تفکیک رفتار انحرافی جوانان از انحراف اجتماعی بزرگسالان و تأکید بر بزهکاری پسران طبقات پایین تدوین کرد. نظریه‌های خرده فرهنگی به موضوع رفتار بزهکارانه در میان جوانان طبقات پایین جامعه بر حسب ویژگی‌های خرده فرهنگی آنان نظیر ارزش‌ها، زبان و اسلوب‌های زندگی پرداخته‌اند. به‌علاوه این نظریه‌ها بزهکاری جوانان را از جرم متمایز دانسته و بر این باورند که رفتار بزهکارانه به‌وسیله افرادی رخ می‌دهد که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند. به اعتقاد نظریه‌پردازان خرده‌فرهنگی رفتار بزهکارانه به‌وسیله دار و دسته‌های بزهکار معمولاً در اجتماعات خرده‌فرهنگی طبقات پایین جامعه شکل گرفته و به اجرا در می‌آید (احمدی، ۱۳۸۴: ۷۲).

کوهن ویژگی‌های جوانان بزهکار را به شرح زیر بیان کرده است: ۱. بزهکاری بدون انگیزه مادی، برای مثال، دزدی کالا صرفاً به منظور تخریب آن. ۲. کینه جویی، بدخواهی یا سوء نیت، خرابکاری، بی‌انضباطی، ۳. منفی‌بافی، ۴. لذت‌گرایی کوتاه مدت با ورود به دار و دسته‌های بزهکار، ۵. تغییر پذیری، ۶. خود مختاری و استقلال گروهی (همان: ۷۴-۷۲).

۸- همنشینی افتراقی

ساترلند^۱ (۱۹۴۲) اصطلاح همنشینی افتراقی^۲ را به‌عنوان تبیینی از رفتار انحرافی به کار برد. به‌نظر وی جرم زمانی رخ می‌دهد که موقعیت مناسب آن، برای عامل رفتار فراهم شود. این نظریه بیشتر جنبه نظری دارد و به‌دلیل برخی مشکلات آزمون تجربی نشده است. بر اساس این نظریه، فرآیندهایی که به بزهکاری می‌انجامد به قرار زیر است: ۱. عمل مجرمانه آموختنی است، نه موروثی. ۲. آموزش از طریق ارتباط فرد با سایر افراد انجام می‌گیرد. ۳. بخش اعظم آموزش رفتار بزهکارانه در گروه‌های نزدیک که با فرد روابط صمیمانه دارند، انجام می‌گیرد. ۴. آموزش عمل مجرمانه مراحل مختلفی دارد: الف) فنون ارتکاب جرم که گاه

پیچیده و گاه ساده است. ب) جهت دادن به انگیزه‌ها، گرایش‌ها، کشش‌های درونی. ج) توجیه عمل مجرمانه. ۵. کسب انگیزه‌ها و میل به ابزار کشش‌های درونی آموختنی است. ۶. زمانی فرد به عمل بزهکارانه دست می‌زند که آمیزش او با کسانی که موافق شکستن قاعده‌اند، بیشتر از کسانی باشد که با شکستن قاعده مخالفند. ۷. ارتباطات گوناگونی که فرد با دیگران دارد از لحاظ فراوانی، تداوم، تقدم سن و شدت یکسان نیستند. ۸. فرآیند رفتار مجرمانه در ارتباط با الگوهای مجرمانه و غیر مجرمانه همان مکانیزمی را طی می‌کند که در یادگیری سایر رفتارهای اجتماعی مشاهده می‌شود. ۹. در حالی که رفتار بزهکارانه نیازها و ارزشهای کلی و عام شخص را بیان می‌کند، اما توسط آنها ایجاد نمی‌شود. زیرا رفتار غیر مجرمانه هم بیان همان نیازها و ارزشهای عام است (بنی اسدی، ۱۳۸۳: ۴۱).

۹- نظریه ناکامی منزلتی

جامعه‌شناس معاصر آمریکایی آلبرت کوهن^۱ که نظریه ناکامی منزلتی را از نظرات مرتون استخراج کرده، معتقد است طبقات پایین در جامعه از نظر دستیابی به منزلت دچار ناکامی هستند و این در حالی است که جامعه آنها را به کسب منزلت تشویق می‌کند و امکان دستیابی را در اختیار آنها قرار نمی‌دهد. طبقات پایین در جامعه‌پذیری، آموزش و پرورش و هنجارها و ارزش‌ها با تبلیغ خصایص و ارزش‌های طبقه متوسط روبرو هستند، در حالی که از تحرک اجتماعی و حضور در این طبقه محروم هستند. همین مسئله موجب احساس یأس، سرخوردگی و ناکامی در این طبقه شده و افراد را به خرده‌فرهنگ‌های بزهکاری در مکان‌های سکونت خویش متمایل می‌کند که این خرده‌فرهنگ‌ها معمولاً خصوصیات چگونگرایش لذت‌جویانه، منفی‌نگری، میل به خشونت، آزادی و تنوع در کج‌رفتاری و استقلال و انسجام گروهی و میل به رفتار غیرمدنی دارد (کورنبلوم، ۱۳۸۰).

۱۰- نظریه‌های تعامل‌گرا

تعامل‌گرایان بر آنند که تعاریف مربوط به انحراف و مسایل اجتماعی ذهنی هستند. این

چشم‌انداز، افراد منحرف و غیر منحرف را نه بر اساس آنچه انجام می‌دهند، بلکه بر اساس واکنش جامعه بدانچه انجام می‌دهند از هم متمایز می‌سازد. سرچشمه مسایل اجتماعی از نظر اندیشمندان این دیدگاه آگاهی جامعه از وجود برخی رفتارهاست که آگاهانه بر آنها به‌عنوان مسئله اجتماعی برچسپ می‌زند. رویکرد تعامل‌گرا بر شیوه‌هایی تأکید می‌کند که افراد، عملاً در مورد ارزشهای گروهی که بدان تعلق دارند اتخاذ می‌کنند. چشم‌انداز مذکور همچنین، کاوش می‌کند که چگونه گروه‌های مختلف وضعیت خود را تعریف کرده و در این تعریف، تعبیری از زندگی ارائه می‌دهند که برخی ارزشها و رفتارها را ترویج و دیگر ارزشها و رفتارها را تضعیف می‌کند (کورنیلوم، ۱۳۸۰).

۱۱- تئوری کنترل اجتماعی

اساس این نظریه بر حول این محور است که انسان موجودی است دارای امیال نامتناهی. یکی از صاحب‌نظران این نوع تبیین از کج رفتاری هیرشی^۱ است. هیرشی در تئوری خود مفهوم پیوند اجتماعی را مطرح می‌کند و بر این عقیده است که انحراف زمانی حادث می‌شود که پیوند فرد با محیط اطراف و جامعه ضعیف شده یا از هم گسیخته باشد. در تئوری هیرشی پیوند فرد با جامعه است که مهمترین متغیر در هم‌نوا بودن یا هم‌نوا نبودن فرد است. بر این اساس گروهی که اعضای آن با هم انسجام و همبستگی قوی‌تری داشته باشند، بهتر قادر به اعمال کنترل و نظارت اجتماعی بر روی اعضایش خواهد بود تا گروهی که بین آنها انسجام استواری وجود نداشته باشد. وی معتقد است که بزهکاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شوند، یا به‌طور کلی از بین بروند. این قیود را تحت چهار مفهوم کلی دلبستگی^۲، تعهد^۳، مشارکت و درگیری^۴ و باور و اعتقاد^۵ خلاصه می‌کند (Hirschi, 1979: 34-38). هیرشی اثرات وابستگی به پدر و مادر، مدرسه و همسالان را بر اعمال بزهکارانه تحلیل کرده و معتقد است که صرف نظر از نژاد یا طبقه، پسرانی که وابستگی نزدیک‌تری به پدر و مادر خود دارند، احتمال کمتری وجود دارد که اعمال بزهکارانه ارتکابی را گزارش دهند تا آنهایی که وابستگی کمتری دارد. همچنین احتمال بیشتری

1. Hirschi
2. Attachment
3. Commitment
4. Involvement
5. Belief

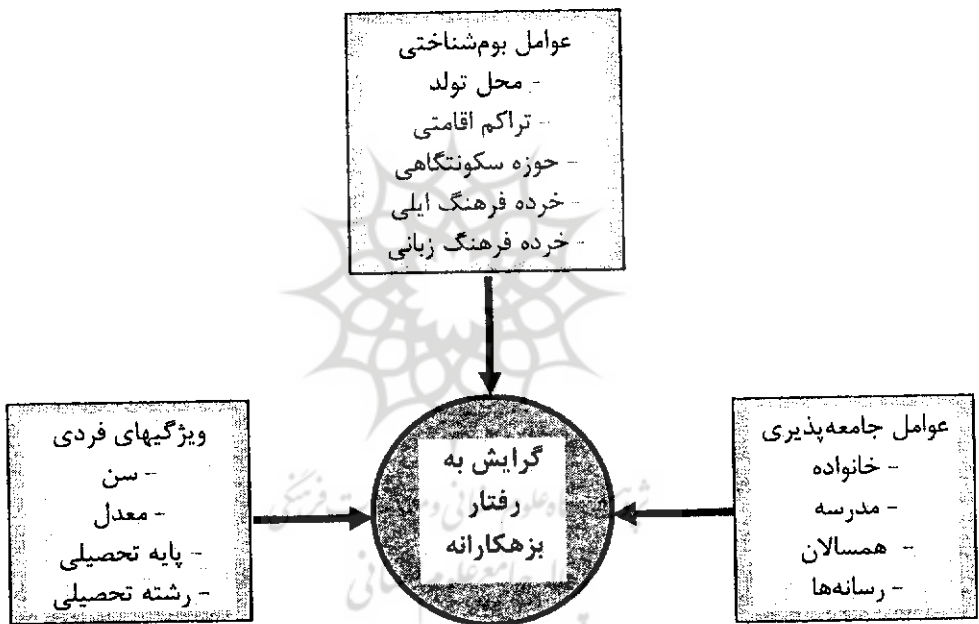
وجود دارد که جوانان بزهکار در مدرسه نمره‌ای پایین بیاورند، علاقه کمتری به عقاید معلمان داشته باشند، از مدرسه متنفر باشند و اقتدار مدرسه را نپذیرند (Vold, 2001: 28).

۱۲- چارچوب نظری مورد استفاده

نظریه‌ی مورد استفاده در این پژوهش ترکیبی از نظریه‌های خرده‌فرهنگی، بوم‌شناسی، کنترل اجتماعی و همنشینی افتراقی است و فرضیه‌های اساسی پژوهش حاضر از ۴ نظریه فوق گرفته شده است. نظریه‌های خرده‌فرهنگی بزهکاری جوانان را از جرم متمایز دانسته و بر این باورند که رفتار بزهکارانه به وسیله افرادی رخ می‌دهد که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند. آنها به موضوع رفتار بزهکارانه در میان جوانان طبقات پایین جامعه بر حسب ویژگی‌های خرده‌فرهنگی آنان نظیر ارزشها، زبان و اسلوب‌های زندگی پرداخته‌اند. به اعتقاد نظریه‌پردازان خرده‌فرهنگی، رفتار بزهکارانه به وسیله دار و دسته‌های بزهکار معمولاً در اجتماعات خرده‌فرهنگی طبقات پایین جامعه شکل گرفته و به اجرا درمی‌آید. افراد پس از جداسدن از جامعه خویش، به‌عنوان یک خرده‌فرهنگ، با تشکیل طیف حاشیه‌نشین در اطراف شهرها، به سبب نوع زندگی حاشیه‌نشینی، با بی‌برنامگی، آشفتگی، ضعف پیوندهای اجتماعی، از بین رفتن حمایت‌های اجتماعی و فشارهای فیزیکی و روانی روبرو می‌شوند. این عوامل منجر به تضاد فرهنگی، احساس از خودیگانگی و جدایی در بین آنان و در نهایت پیدایش خرده‌فرهنگ بزهکارانه و شیوع جرم و بزهکاری خواهد شد. نظریه‌پردازان دیدگاه بوم‌شناسی استدلال می‌کنند که اندازه جمعیت، تراکم اجتماعی و سکونت و ناهماهنگی اجتماعی در ارتباط با زندگی شهری منجر به تخریب حمایت‌های اجتماعی و روابط نزدیک و جایگزین آنها با مکانیزم‌های رسمی کنترل رسمی و غیر شخصی و سازمان‌های بوروکراتیک می‌شود، که با تضعیف پیوندها و حمایت‌های اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان، نقش خانواده و مدرسه در کنترل فرد کم‌رنگ می‌شود. از منظر نظریه کنترل اجتماعی عدم تعلق و تقید فرد نسبت به دو نهاد خانواده و مدرسه زمینه‌ساز رفتارهای بزهکارانه است. هنگامی که خانواده و مدرسه قادر به یاد دادن ارزش‌ها و هنجارهای مورد وفاق جامعه نباشند و فرد از طریق این نهادها کنترل و یا حمایت نشود، به دوستان و گروه‌های همسال پناه می‌برد. در این حالت ارضای نیازها به شیوه بزهکارانه، با مشارکت افرادی که شبیه خود می‌باشند، به آسانی قابل وصول است و الگوهای بزهکاری به راحتی به فرد منتقل می‌شود. به اعتقاد ساترلند جوانان در فرایند

یادگیری اجتماعی به تقلید از رفتار دیگران می‌پردازند و از طریق رسانه‌های جمعی (به‌ویژه رسانه‌های تصویری نظیر تلویزیون و سینما) برخی از رفتارهای بزهکارانه نظیر پرخاشگری و خشونت را می‌آموزند.

مدل تجربی پژوهش



فرضیه‌های پژوهش

در مورد دانش آموزان ساکن در شهر ایلام می‌توان فرضیه‌های زیر را مطرح نمود:

- بین سن و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین معدل و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین پایه تحصیلی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین رشته تحصیلی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین پایگاه خانوادگی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.

- بین نظارت خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین صمیمیت بین اعضای خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین آشنفگی خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین گسیختگی خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین داشتن مجرم در خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین تعلق خاطر به مدرسه و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین تعداد دوستان بزهکار و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین وابستگی به دوستان و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده از رسانه‌ها و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده از تولیدات فرهنگی داخلی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده از تولیدات فرهنگی خارجی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین محل تولد و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین تراکم اقامتی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین حوزه سکونتگاهی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین خرده فرهنگ ایلی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین خرده فرهنگ زبانی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.
- بین همه عوامل فوق، حوزه سکونتگاهی (حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین) و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.

روش تحقیق^۱

روش این تحقیق پیمایش^۲ است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه^۳، و در تنظیم پرسشنامه از طیف^۴ خود ساخته‌ای لیکرت^۵ (درجه‌ای) برای سنجش رابطه حوزه سکونتگاهی و گرایش به رفتار بزهکارانه استفاده شده است.

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه گیری

جامعه آماری در پژوهش حاضر کلیه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر ایلام است، که تعداد کل آنها ۸۰۵۳ نفر می باشد. در این پژوهش با فرض حداکثر واریانس $p=q=0.5$ و با 95% سطح اطمینان و ۸۰۵۳ نفر جمعیت، با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران، حجم نمونه مورد بررسی ۳۶۸ نفر می باشد.

توزیع پرسشنامه در میان نمونه آماری مورد مطالعه، با استفاده از روش نمونه گیری ترکیبی^۱ صورت گرفت. جهت انجام این کار، در ابتدا کلیه دبیرستان ها و هنرستان های پسرانه شهر ایلام بر پایه رشته تحصیلی - دسته بندی شده و سپس به طور تصادفی از هر دسته، یک مدرسه انتخاب شد. پس از آن، با توجه به آمارهای اداره آموزش و پرورش ایلام، با استفاده از روش سهمیه ای بر اساس پایه و رشته تحصیلی - پرسشنامه ها به طور مساوی بین دانش آموزان مناطق حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین توزیع گشت. پرسشنامه به صورت خود اجرا تکمیل گردید. البته در این زمینه تلاش لازم برای افزایش میزان پاسخگویی، کیفیت پاسخگویی و کاهش سوالات بی پاسخ انجام شد.

روایی و پایایی

برای بررسی روایی^۲ گویه های شاخص اصلی پژوهش (گرایش به رفتار بزهکارانه) از تکنیک همبستگی گویه به جمع گویه ها استفاده شده و گویه هایی که همبستگی پایینی با جمع گویه ها داشتند، به عنوان گویه های ناروا حذف شدند.

از تکنیک آلفای کرونباخ نیز برای سنجش پایایی^۳ مقیاس استفاده شده و گویه هایی که ضریب آلفای آنها کمتر از ۰/۷ بود، به عنوان گویه های ناپایا حذف شدند. (جدول ۱) نشانگر میزان آلفای کرونباخ در هر یک از طیف هاست. با توجه به آنکه در تحقیقات اجتماعی میزان آلفای (۰/۷۰ درصد) به عنوان ملاک در نظر گرفته می شود، طیف های پژوهش حاضر از پایایی بالا و مناسبی برای سنجش متغیرهای پژوهش حاضر برخوردارند.

جدول ۱: میزان آلفای کروناخ (پایایی) گویه‌های هر طیف

طیف	تمایل به بزهکاری	نظارت خانواده	صمیمیت اعضای خانواده	تعلق خاطر به مدرسه	داشتن دوستان بزهکار	وابستگی به دوستان
تعداد گویه‌ها	۲۳	۴	۵	۴	۵	۴
آلفا کروناخ	۰/۸۹	۰/۸۱	۰/۸۲	۰/۷۸	۰/۷۶	۰/۷۵

تعریف مفاهیم و متغیرها

الف) متغیر وابسته

گرایش به رفتار بزهکارانه: بزهکاری بر حسب عمق و شدت عمل انحرافی به دسته‌های کوچکتری مانند: بزهکاری شدید (حملات شدید، سرقت، استفاده از سلاح گرم در سرقت‌ها و ...) و بزهکاری ملایم (تخریب کیوسک تلفن، شکستن لامپ، پاره کردن صندلی و...) تقسیم شده است (Agnew, 1991: 59). در پژوهش حاضر منظور از رفتار بزهکارانه، بزهکاری از نوع ملایم است و موارد زیر به عنوان رفتار بزهکارانه شناخته می‌شوند: فرار از مدرسه، فرار از خانه، ارتباط تلفنی یا مستقیم با جنس مخالف، استمنا کردن، مصرف سیگار، مصرف داروهای توهم-زا (قرص X)، مصرف حشیش، مصرف مشروبات الکلی، شرکت در دعوای فردی یا گروهی، تخریب اموال عمومی (اموال مدرسه، چمن خیابان، کیوسک تلفن، صندلی اتوبوس)، تخریب اموال شخصی (اتومبیل‌های شخصی)، قمار، تقلب در امتحان، مشارکت در گروه‌هایی که برای مردم مزاحمت ایجاد می‌کنند، استفاده از فیلم سکسی، دزدی، جیب‌بری، نافرمانی نسبت به والدین و توهین به آنها، بیرون ماندن از خانه تا نیمه شب بدون اجازه والدین، سر دادن شعارهای زشت در میدان‌های ورزشی، تأخیر در مدرسه به طوری که موجب ناراحتی خانواده و مدرسه شده باشد.

گرایش به رفتار بزهکارانه به عنوان متغیر وابسته پژوهش حاضر، در سطح و مقیاس فاصله‌ای و به وسیله طیفی مشتمل بر ۲۳ سوال بررسی شده است.

ب) متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل این پژوهش، به سه دسته کلی و چند زیر شاخه به ترتیب ذیل تقسیم

شده‌اند:

الف) متغیرهای فردی: عواملی هستند که موقعیت یک فرد در چرخه زندگی و نقش

وی در خانواده و اجتماع را تعیین می کنند. متغیرهای فردی پژوهش حاضر به شرح زیرند:

- سن: منظور تعداد سال های کاملی است که از زمان تولد شخص گذشته است. این متغیر با رقم اظهار شده توسط پاسخگو و در سطح فاصله ای سنجیده شده است.

- معدل: منظور میزان فعالیت و وضعیت پاسخگو در امر تحصیل است. این متغیر با رقم معدل که توسط پاسخگویان اظهار شده است، تعریف عملی گشته و دامنه آن بین صفر تا ۲۰ و در سطح فاصله ای است.

- رشته تحصیلی: رشته ای که دانش آموز در آن مشغول تحصیل است. شامل رشته های عمومی (سال اول متوسطه)، ریاضی، علوم تجربی، علوم انسانی، فنی و حرفه ای و کار و دانش می باشد، که در سطح اسمی بررسی شد.

- پایه تحصیلی: پایه ای که دانش آموز در آن مشغول به تحصیل است و شامل سه پایه در سطح متوسطه است و متغیری رتبه ای می باشد.

ب) عوامل جامعه پذیری: عمدتاً به عوامل اجتماعی، فرهنگی موثر بر بزهکاری پرداخته و از میان این عوامل، کارگزاران جامعه پذیری جوانان نظیر خانواده، مدرسه، گروه های همسال و رسانه های جمعی را بیشتر مورد توجه قرار داده است (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

- خانواده: خانواده از ارکان اساسی شکل گیری رفتار و نگرش دانش آموز است. جهت سهولت در انجام کار، عوامل مربوط به خانواده در پژوهش حاضر به شش دسته و به شرح ذیل تقسیم شدند:

۱- پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده: موقعیت و منزلت خانواده از نظر شرایط اجتماعی- اقتصادی در جامعه، که به وسیله شاخص هایی مانند؛ درآمد خانواده، نوع مالکیت مسکن، تحصیلات و شغل والدین، در مقیاس فاصله ای بررسی شده است.

۲- صمیمیت بین اعضای خانواده: این که رابطه بین اعضای خانواده اعم از والدین و فرزندان، چقدر صمیمی است، متغیری است که در سطح فاصله ای بررسی شده است.

۳- نظارت خانواده: منظور میزان کنترلی است که در خانه توسط خانواده بر رفتار و اعمال فرد اعمال می شود و در سطح فاصله ای سنجیده شده است.

- ۴- **گسیختگی خانواده:** منظور غیبت طولانی مدت یک یا هر دوی والدین در جمع خانواده است. مواردی چون طلاق در بین والدین، فوت یک یا هر دوی آنها و مسافرت طولانی مدت والدین، که در سطح اسمی مورد سنجش قرار گرفت.
- ۵- **آشفته‌گی خانواده:** منظور از این متغیر؛ تضاد، اختلاف نظر، تنش و بحث و جدل بیش از حد بین اعضای خانواده است که با کنشها و اختلالات رفتاری نظیر غیر منطقی بودن، دعوا، کشمکش و تعارض بین اعضای خانواده مشخص و در سطح فاصله‌ای بررسی شده است.
- ۶- **وجود مجرم در خانواده:** اینکه در میان اعضای خانواده کسی تاکنون مرتکب جرم شده است یا نه، متغیری است که در سطح اسمی مورد بررسی قرار گرفت.
- **تعلق خاطر به مدرسه:** تعلق خاطر دانش‌آموزان نسبت به مدرسه، به‌عنوان یکی از کارگزاران اصلی جامعه‌پذیری افراد، در این پژوهش در سطح فاصله‌ای سنجیده شده است.
- **گروه همسالان:** گروهی است که اعضای آن سن مشابه داشته، اغلب از یک جنس می‌باشند و با یکدیگر یک جرگه اجتماعی تشکیل داده‌اند که فرد با عضویت در آن در کنش متقابل با دیگر اعضای گروه قرار گرفته و با ایفای نقش خود در گروه، از حمایت گروهی برخوردار می‌شود. دو متغیر وابستگی به دوستان و تعداد دوستان بزهکار که مربوط به گروه همسالان می‌باشند در این پژوهش در سطح فاصله‌ای سنجیده شدند.
- **رسانه‌های جمعی:** رسانه‌های جمعی آثار غیر قابل انکاری بر رفتار نوجوانان دارند. چگونگی استفاده از وسایل ارتباط جمعی توسط دانش‌آموز، در قالب سه متغیر زیر و در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است:
- ۱- **میزان استفاده از رسانه‌های جمعی:** منظور میزان ساعات استفاده دانش‌آموز از کلیه رسانه‌های جمعی طی شبانه‌روز می‌باشد.
- ۲- **میزان استفاده از تولیدات فرهنگی خارجی:** میزان ساعات استفاده دانش‌آموز از محصولاتی که خارج از مرزهای کشور تولید می‌شود (اعم از؛ سی‌دی‌های مبتدل، شو، برنامه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های تلویزیونی خارجی).
- ۳- **میزان استفاده از تولیدات فرهنگی داخلی:** میزان ساعات استفاده دانش‌آموز از محصولاتی که در داخل کشور تولید می‌شود (اعم از؛ سی‌دی‌های مذهبی و علمی، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی داخلی).

ج) **متغیرهای بوم‌شناختی:** متغیرهای مربوط به حوزه‌ای که افراد جامعه آماری در آن سکونت دارند و زندگی می‌کنند که در پژوهش حاضر به صورت زیر تقسیم شده‌اند:

- **محل تولد:** شهر یا روستا بودن محل تولد فرد، متغیری اسمی است.
- **تراکم اقامتی:** منظور تراکم افراد در منزل است که با تقسیم تعداد افراد بر زیربنای ساختمان، در سطح فاصله‌ای سنجیده می‌شود.
- **خرده‌فرهنگ زبانی:** نوع زبان یا گویش افراد مورد بررسی، متغیری اسمی است.
- **خرده‌فرهنگ ایلی:** ایل و طایفه‌ای که پاسخگویان به آن تعلق دارند، در سطح اسمی سنجیده شده است.

- **حوزه سکونتگاهی:** حوزه سکونت افراد جامعه آماری به دو دسته تقسیم می‌شود:

- ۱- **حاشیه‌نشین:** در این پژوهش ۳ محله بانبرز، بانبور و سبزی‌آباد مناطق حاشیه‌نشین شهر ایلام را تشکیل می‌دهند. تفکیک محلات حاشیه‌نشین از غیرحاشیه‌نشین بر اساس برخورداری محله‌ها از شاخصهای (نمودار ۲) انجام شده است. بیات (۱۳۸۴) مهمترین ویژگیهای مناطق حاشیه‌نشین در ایران را به شرح زیر تقسیم نموده است:

ویژگیهای کالبدی: مهمترین شاخص محلات حاشیه‌نشین، عدم همخوانی فضای مسکونی با جمعیت زیاد درون آن و وجود خانوارهای پرآولاد در این محلات است. کوچه‌ها و معابر محله، محل ملاقات، تفریح و اشتغال اکثر افراد ساکن این مناطق است. حضور جمع زیادی طی شبانه روز در معابر منجر به پیدایش شکل خاصی از اجتماع شده است که می‌توان آنرا تحت عنوان "فرهنگ کوچه‌نشین" بررسی کرد.

ویژگیهای جمعیتی: عامترین شاخص محلات حاشیه‌نشین وجود جمعیت زیاد است. در این محلات خانوارها پرآولاد بوده و در نتیجه تراکم جمعیت جوان بالاست.

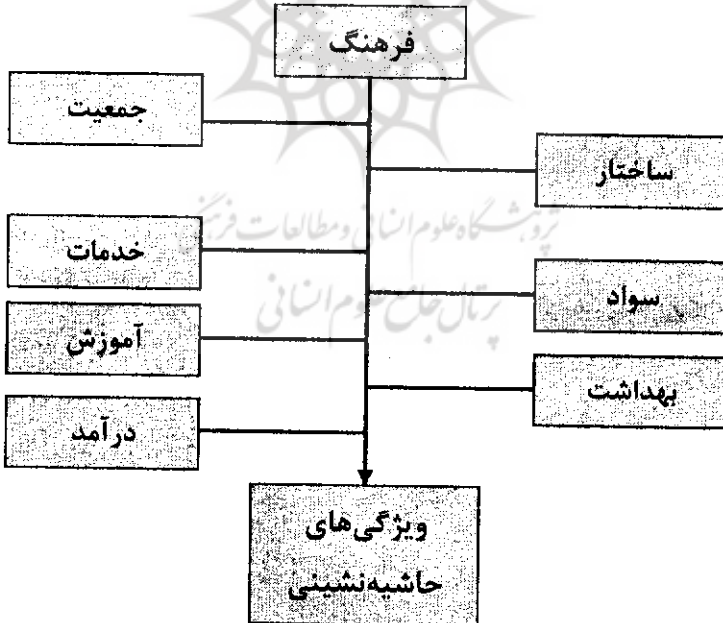
اشتغال: از نظر اشتغال جمعیت فعال این مناطق بیکار، در جستجوی کار و یا دارای کار موقت و غیر دائمی هستند. افراد شاغل این مناطق معمولاً بدون تخصص و مهارت بوده و لذا بیشتر در بخش غیرمولد و غیررسمی اقتصاد به انجام کارهای پست خدماتی و یا واسطه‌گری و دلالی مبادرت می‌کنند.

درآمد: عامترین وجه تشابه محلات حاشیه‌نشین، وجود و تراکم فقر در این محلات است.

سواد: میانگین سواد در این محدوده‌ها از کل شهر پایین تر است.

خدمات اجتماعی و رفاهی: میزان خدمات اجتماعی (شامل خدمات شهرداری، مراکز تفریحی، آموزشی، بهداشت و آب و برق) در این مناطق محدود است.
آموزش: هیچ واحد آموزش حرفه‌ای در محلات حاشیه‌نشین وجود ندارد و آموزش عمومی نیز در مدارس چند شیفته محدود است.
بهداشت: حاشیه‌نشینان فاقد بهداشت عمومی و خصوصی در حد و اندازه استانداردهای جهانی و ملی هستند.

فرهنگ: حاشیه‌نشینان به عنوان قشری که با عنوان "نه شهری و نه روستایی" مشخص می‌شوند، از لحاظ فرهنگی دارای فرهنگ روستایی هستند ولی خود را شهری می‌دانند.
انسجام و همبستگی: حاشیه‌نشینان در درون محله خود معمولاً از همبستگی بالایی برخوردارند و در مقابل تهدیدات واکنش گروهی نشان می‌دهند (بیات، ۱۳۸۴: ۱۷۲).
۲- غیرحاشیه‌نشین: سایر مناطق شهر ایلام به عنوان مناطق غیرحاشیه‌نشین محسوب می‌شوند.



نمودار ۲: ویژگی‌های مناطق حاشیه‌نشین در ایران

بررسی فرضیه‌ها

فرضیه اول: بین سن و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. با توجه به جدول (۲) رابطه بین سن و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان غیرحاشیه‌نشینان در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است، اما این متغیر، با گرایش به رفتار بزهکارانه در میان حاشیه‌نشینان رابطه ندارد. در بررسی رابطه سن همه پاسخگویان با متغیر وابسته نیز رابطه معنی‌داری مشاهده نمی‌شود.

جدول ۲: بررسی رابطه سن و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری
معدل و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	-.۰/۲۴۴**	۰/۰۱
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	-.۰/۰۹۲	۰/۲۲
	کل	۳۶۸	-.۰/۱۶۶**	۰/۰۲

فرضیه دوم: بین معدل و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. جدول (۳) نشان می‌دهد که همبستگی بین معدل و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان کل نمونه مورد بررسی و نیز گروه حاشیه‌نشین قوی و معکوس است، این درحالی است که در میان گروه غیرحاشیه‌نشین این رابطه معنی‌دار نیست.

جدول ۳: بررسی رابطه معدل و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری
سن و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۰۳۱	۰/۶۷
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۱۵۷*	۰/۰۳
	کل	۳۶۸	۰/۰۹۵	۰/۰۷

فرضیه سوم: بین پایه تحصیلی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. ارزیابی

جدول (۴) بیانگر آن است که هرچند تفاوت معنی داری بین پایه تحصیلی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دو گروه مورد بررسی وجود ندارد، با این وجود بین پایه تحصیلی و گرایش به رفتار بزهکارانه در بین کل نمونه مورد بررسی تفاوت معنی داری دیده می شود.

جدول ۴: بررسی تفاوت میانگین پایه تحصیلی و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	df	F	سطح معنی داری
پایه تحصیلی و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه ای	۱۸۴	۲	۲/۴۷۸	۰/۰۸
	غ. حاشیه ای	۱۸۴	۲	۱/۴۹۵	۰/۲۲
	کل	۳۶۸	۲	۳/۷۷۵	۰/۰۲

جدول (۵) با استفاده از آزمون (scheffe) نشان می دهد که در مجموع بین دو پایه اول و سوم تفاوت معنی داری از نظر گرایش به رفتار بزهکارانه وجود دارد. اما بین پایه های اول و دوم و نیز دوم و سوم تفاوت معنی دار نیست.

جدول ۵: آزمون (scheffe) برای بررسی تفاوت میانگین ها

حوزه	پایه	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معنی داری
کل	اول دوم	-۴/۶۴۴۳	۱/۹۰۹۶۰	۰/۰۵
	سوم	-۵/۰۷۰۰*	۱/۸۹۷۲۰	۰/۰۲
	اول دوم	۴/۶۴۴۳	۱/۹۰۹۶۹	۰/۰۵
	سوم	-۰/۴۲۵۷	۱/۳۳۹۵۸	۰/۰۹
	اول سوم	۵/۰۷۰۰*	۱/۸۹۷۲۰	۰/۰۲
	دوم	۰/۴۲۵۷	۱/۳۳۹۵۸	۰/۹۵

فرضیه چهارم: بین رشته تحصیلی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. با توجه به جدول (۶) بین رشته تحصیلی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دو گروه مورد بررسی تفاوت

در سطح (۹۵ درصد) معنی دار است. در بین رشته‌های تحصیلی نیز تفاوت معنی داری بین پاسخگویان رشته علوم انسانی با پاسخگویان سال اول عمومی در میان گروه غیرحاشیه‌نشین و کل نمونه آماری مشاهده می‌شود. لازم به ذکر است که تحلیل آزمون (scheffe) بیانگر آن است که این رابطه بین هیچ‌یک از رشته‌های تحصیلی پاسخگویان گروه حاشیه‌نشین معنی دار نیست (جدول ۷).

جدول ۶: بررسی تفاوت میانگین رشته تحصیلی و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	df	F	سطح معنی داری
رشته تحصیلی و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۵	۲/۳۵۱	۰/۰۴
	غ. حاشیه‌ای	۱۸۴	۵	۲/۹۲۰	۰/۰۱
	کل	۳۶۸	۵	۴/۶۱۴	۰/۰۰

جدول ۷: آزمون (scheffe) برای بررسی تفاوت میانگین‌ها

حوزه	رشته	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معنی داری
حاشیه‌ای	انسانی ریاضی	۵/۱۱۱۶	۲/۸۷۳۶۳	۰/۶۷
	تجربی	۳/۴۲۷۴	۲/۸۷۳۶۳	۰/۹۲
	کاردانش	-۳/۰۵۲۵	۳/۳۳۹۳۴	۰/۹۷
	فنی حرفه‌ای	-۰/۳۶۲۱	۳/۱۴۷۶۰	۱/۰۰
	عمومی	۵/۸۱۷۹	۳/۱۸۰۶۲	۰/۶۴
غ. حاشیه‌ای	انسانی ریاضی	۷/۷۴۶۸	۲/۸۰۶۴۲	۰/۱۸
	تجربی	۷/۴۰۴۷	۲/۸۰۶۴۲	۰/۲۲
	کاردانش	۴/۴۰۷۲	۳/۲۶۱۲۳	۰/۸۷
	فنی حرفه‌ای	۵/۴۶۹۵	۳/۰۷۳۹۸	۰/۶۷
	عمومی	۱۰/۸۹۱۰*	۳/۱۰۶۲۳	۰/۰۳
کل	انسانی ریاضی	۶/۴۲۹۲	۲/۰۰۰۸۱	۰/۰۶
	تجربی	۵/۴۱۶۱	۲/۰۰۰۸۱	۰/۲۰
	کاردانش	۰/۶۷۷۳	۲/۳۲۵۰۶	۱/۰۰
	فنی حرفه‌ای	۲/۵۵۳۷	۲/۱۹۱۵۶	۰/۹۲
	عمومی	۸/۳۵۴۵*	۲/۱۴۵۵	۰/۰۱

فرضیه پنجم: بین پایگاه خانوادگی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. با توجه به جدول (۸) مشاهده می‌شود که رابطه معنی‌داری بین پایگاه خانوادگی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دو گروه مورد مطالعه وجود ندارد.

جدول ۸: بررسی رابطه پایگاه خانوادگی و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری
پایگاه خانوادگی و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۰۸۷	۰/۲۵
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۰۸۰	۰/۲۸
	کل	۳۶۸	۰/۰۷۵	۰/۱۵

فرضیه ششم: بین نظارت خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. جدول (۹) نشان می‌دهد که رابطه بین نظارت خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دو گروه مورد مطالعه در سطح (۹۹ درصد) معنی‌دار است و همبستگی قوی و معکوسی بین این دو متغیر وجود دارد.

جدول ۹: بررسی رابطه نظارت خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری
نظارت خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۲۴۹**	۰/۰۰
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۳۷۶**	۰/۰۰
	کل	۳۶۸	۰/۳۱۴**	۰/۰۰

فرضیه هفتم: بین صمیمیت بین اعضای خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد.

جدول (۱۰) نشان می‌دهد که همبستگی قوی و معکوسی بین صمیمیت بین اعضای خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دو گروه مورد مطالعه و نیز کل نمونه وجود دارد و این رابطه در سطح (۹۹ درصد) معنی‌دار است.

جدول ۱۰: بررسی رابطه صمیمیت بین اعضای خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	ضریب پیرسون	سطح معنی داری
صمیمیت بین اعضای خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۵۲۶**	۰/۰۰
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۳۸۶**	۰/۰۰
	کل	۳۶۸	۰/۴۵۲**	۰/۰۰

فرضیه هشتم: بین آشننگی خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. جدول (۱۱) نشان می‌دهد که همبستگی مستقیمی بین آشننگی خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دو گروه مورد مطالعه وجود دارد و این رابطه برای گروه حاشیه‌نشینان و کل نمونه در سطح (۹۹ درصد) و برای گروه غیرحاشیه‌نشین در سطح (۹۵ درصد) معنی دار است.

جدول ۱۱: بررسی رابطه آشننگی خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	ضریب پیرسون	سطح معنی داری
آشننگی خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۲۷۸**	۰/۰۰
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۱۴۰*	۰/۰۴
	کل	۳۶۸	۰/۲۰۶**	۰/۰۰

فرضیه نهم: بین گسیختگی خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. جدول (۱۲) نشان می‌دهد که هیچ تفاوت معنی داری بین گسیختگی خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان گروه‌های مورد بررسی وجود ندارد.

جدول ۱۲: بررسی تفاوت میانگین گسیختگی خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	df	F	سطح معنی داری
گسیختگی خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۴	۰/۱۴۲	۰/۹۶
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	۶	۰/۳۰۳	۰/۹۳
	کل	۳۶۸	۷	۰/۳۰۶	۰/۹۵

فرضیه ۵۵م: بین داشتن مجرم در خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. با توجه به جدول (۱۳) بین داشتن مجرم در خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان غیر حاشیه‌نشینان تفاوت در سطح (۹۵ درصد) معنی‌دار است، اما این متغیر تفاوت معنی‌داری با گرایش به رفتار بزهکارانه در میان حاشیه‌نشینان ندارد. در مجموع و در بین کل نمونه آماری این تفاوت در سطح (۹۹ درصد) معنی‌دار شده است. همچنین جدول (۱۴) بیانگر تفاوت معنی‌دار بین اجزای این متغیر است.

جدول ۱۳: بررسی تفاوت میانگین داشتن مجرم در خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	df	F	سطح معنی‌داری
داشتن مجرم در خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۲	۲/۷۲۷	۰/۰۶
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	۳	۳/۷۶۹	۰/۰۱
	کل	۳۶۸	۲	۶/۱۸۴	۰/۰۰

جدول ۱۴: آزمون (scheffe) برای بررسی تفاوت میانگین‌ها

حوزه	رشته	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
حاشیه‌ای	هیچکدام پدر	-۹/۰۷۵۷	۴/۲۳۲۶۲	۰/۱۰
	برادر	-۳/۱۷۲۹	۲/۹۱۴۲۹	۰/۵۵
	برادر پدر	-۵/۹۰۲۸	۴/۹۴۹۴۶	۰/۴۹
	هیچکدام	۳/۱۷۲۹	۲/۹۱۴۲۹	۰/۵۵
غ.حاشیه‌ای	هیچکدام پدر	-۴/۲۵۳۳	۳/۵۷۸۴۵	۰/۴۹
	برادر	-۱۰/۲۵۳۳*	۳/۲۰۱۳۸	۰/۰۷
حاشیه‌ای	برادر پدر	۶/۰۰۰۰	۴/۶۱۵۶۶	۰/۴۹
	هیچکدام	۱۰/۲۵۳۳*	۳/۲۰۱۳۸	۰/۰۰
کل	هیچکدام پدر	-۶/۲۶۴۱	۲/۷۳۷۳۸	۰/۰۷
	برادر	-۶/۲۹۳۷*	۲/۱۵۲۹۳	۰/۰۱
	برادر پدر	۰/۲۹۶	۳/۳۴۸۵۵	۱/۰۰
	هیچکدام	۶/۲۹۳۷*	۲/۱۵۲۹۳	۰/۰۱

فرضیه یازدهم: بین تعلق خاطر نسبت به مدرسه و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. جدول (۱۵) نشان می‌دهد که رابطه بین تعلق خاطر نسبت به مدرسه و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان کل نمونه و نیز در بین دو گروه مورد مطالعه در سطح (۹۹ درصد) معنی‌دار و همبستگی معکوس است.

جدول ۱۵: بررسی رابطه تعلق خاطر نسبت به مدرسه و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	ضریب پی‌رسون	سطح معنی‌داری
تعلق خاطر نسبت به مدرسه و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۳۰۲**	۰/۰۰
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۳۴۶**	۰/۰۰
	کل	۳۶۸	۰/۳۲۲**	۰/۰۰

فرضیه دوازدهم: بین تعداد دوستان بزهکار و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. جدول (۱۶) نشان می‌دهد که رابطه بین تعداد دوستان بزهکار و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دو گروه مورد بررسی و کل نمونه در سطح (۹۹ درصد) معنی‌دار است.

جدول ۱۶: بررسی رابطه داشتن دوستان بزهکار و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	ضریب پی‌رسون	سطح معنی‌داری
تعداد دوستان بزهکار و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۴۹۴**	۰/۰۰
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۵۴۷**	۰/۰۰
	کل	۳۶۸	۰/۵۱۸**	۰/۰۰

فرضیه سیزدهم: بین وابستگی به دوستان و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. جدول (۱۷) نشان می‌دهد که رابطه بین وابستگی به دوستان و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دو گروه مورد مطالعه و همچنین کل نمونه مورد نظر در سطح (۹۹ درصد) معنی‌دار است.

جدول ۱۷: بررسی رابطه وابستگی به دوستان و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	ضریب پیرسون	سطح معنی داری
وابستگی به دوستان و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۴۴۱**	۰/۰۰
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۲۵۲**	۰/۰۰
	کل	۳۶۸	۰/۳۴۲**	۰/۰۰

فرضیه چهاردهم: بین میزان استفاده از رسانه‌ها و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. جدول (۱۸) نشان می‌دهد که هیچ رابطه معنی داری بین استفاده از رسانه‌ها و گرایش به بزهکاری در میان دو گروه مورد مطالعه و نیز کل نمونه آماری مورد بررسی وجود ندارد.

جدول ۱۸: بررسی رابطه استفاده از رسانه‌ها و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	ضریب پیرسون	سطح معنی داری
استفاده از رسانه‌ها و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۰۱۳	۰/۸۶
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۰۸۸	۰/۲۴
	کل	۳۶۸	۰/۰۱۴	۰/۷۹

فرضیه پانزدهم: بین میزان استفاده از تولیدات فرهنگی داخلی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. جدول (۱۹) نشان می‌دهد که هیچ رابطه معنی داری بین میزان استفاده از تولیدات فرهنگی داخلی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان غیرحاشیه‌نشینان وجود ندارد، اما همبستگی معنی دار و معکوسی بین این دو متغیر در میان گروه حاشیه‌نشین و نیز کل نمونه وجود دارد.

جدول ۱۹: بررسی رابطه استفاده از تولیدات فرهنگی داخلی و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	ضریب پیرسون	سطح معنی داری
استفاده از تولیدات فرهنگی داخلی و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۲۴۰**	۰/۰۰
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۰۰۳	۰/۹۶
	کل	۳۶۸	۰/۱۲۳*	۰/۰۲

فرضیه شانزدهم: بین میزان استفاده از تولیدات فرهنگی خارجی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. جدول (۲۰) نشان می‌دهد که رابطه بین میزان استفاده از تولیدات فرهنگی خارجی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان گروه حاشیه‌نشینان و نیز کل نمونه مورد مطالعه در سطح (۹۹ درصد) معنی‌دار است، که این میزان معنی‌داری برای گروه غیرحاشیه‌نشین در سطح (۹۵ درصد) است.

جدول ۲۰: بررسی رابطه استفاده از تولیدات فرهنگی خارجی و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری
استفاده از تولیدات فرهنگی خارجی و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۳۶۹**	۰/۰۰
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۱۷۴*	۰/۰۲
	کل	۳۶۸	۰/۲۷۱**	۰/۰۰

فرضیه هفدهم: بین محل تولد و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. جدول (۲۱) نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین محل تولد و گرایش به رفتار بزهکارانه وجود ندارد.

جدول ۲۱: بررسی تفاوت میانگین محل تولد و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	df	F	سطح معنی‌داری
محل تولد و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۳	۰/۴۰۲	۰/۷۵
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	۴	۰/۵۹۶	۰/۶۶
	کل	۳۶۸	۴	۰/۵۹۶	۰/۶۶

فرضیه هیجدهم: بین تراکم اقامتی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. ارزیابی جدول (۲۲) نشان می‌دهد که هیچ رابطه معنی‌داری بین میزان تراکم اقامتی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دو گروه مورد مطالعه و کل نمونه آماری وجود ندارد.

جدول ۲۲: بررسی رابطه تراکم اقامتی و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	ضریب پیوسون	سطح معنی داری
تراکم اقامتی و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۱۰۸	۰/۱۵
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	۰/۰۲۰	۰/۸۰
	کل	۳۶۸	۰/۰۷۲	۰/۱۹

فرضیه نوزدهم: بین حوزه سکونتگاهی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. جدول (۲۳) نشان می‌دهد که تفاوت معنی داری بین حوزه سکونتگاهی و گرایش به رفتار بزهکارانه وجود ندارد.

جدول ۲۳: بررسی تفاوت میانگین حوزه سکونتگاهی و گرایش به رفتار بزهکارانه

سطح معنی داری	df	T	Levenes Test		فراوانی	فرضیه
			سطح معنی داری	F		
۰/۹۴	۳۶۶	۰/۰۶۸	۰/۷۵۵	۰/۰۹۸	۳۶۸	حوزه سکونتگاهی و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه بیستم: بین ایل یا طایفه و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. بررسی جدول (۲۴) نشان می‌دهد که تفاوت معنی داری بین ایل و طایفه پاسخگویان با گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دو گروه مورد بررسی و نیز کل نمونه آماری وجود ندارد.

جدول ۲۴: بررسی تفاوت میانگین ایل یا طایفه و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	df	F	سطح معنی داری
ایل یا طایفه و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه‌ای	۱۸۴	۱۸	۰/۹۴۷	۰/۵۲
	غ.حاشیه‌ای	۱۸۴	۲۷	۱/۲۸۱	۰/۱۷
	کل	۳۶۸	۲۸	۱/۱۰۱	۰/۳۳

فرضیه بیست و یکم: بین خرده فرهنگ زبانی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه وجود دارد. بین خرده فرهنگ زبانی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان غیر حاشیه نشینان در سطح (۹۵ درصد) تفاوت معنی دار است. با توجه به جدول (۲۵) این دو متغیر در میان حاشیه نشینان و نیز کل نمونه آماری مورد بررسی تفاوت معنی داری با هم ندارند.

جدول ۲۵: بررسی تفاوت میانگین خرده فرهنگ زبان و گرایش به رفتار بزهکارانه

فرضیه	حوزه	فراوانی	df	F	سطح معنی داری
خرده فرهنگ زبانی و گرایش به رفتار بزهکارانه	حاشیه ای	۱۸۴	۱	۳/۱۰۶	۰/۰۸
	غ. حاشیه ای	۱۸۴	۲	۴/۲۶۷	۰/۰۱
	کل	۳۶۸	۲	۰/۱۵۷	۰/۸۵

معادله رگرسیون چند متغیره

بررسی نتایج به دست آمده از معادله رگرسیون گام به گام در مورد متغیرهای مستقل و وابسته حاکی از آن است که متغیرهای مستقلی که سهمی از تبیین واریانس متغیر وابسته داشتند، در گروه حاشیه نشین طی ۴ مرحله، در گروه غیر حاشیه نشین طی ۳ مرحله و برای کل نمونه طی ۵ مرحله وارد معادله شدند. جدول های شماره (۲۶) تا (۳۱) مراحل مختلف تحلیل چند متغیره گام به گام دو گروه و کل نمونه آماری مورد بررسی را برای پیش بینی متغیر وابسته نشان می دهند.

توجه به جدولهای (۲۶) و (۲۷) نشان می دهد که در میان گروه حاشیه نشین، صمیمیت بین اعضای خانواده با همبستگی (۰/۵۳۳) و ضریب تعیین (۰/۲۸۴) بیشترین تأثیر را در گرایش به رفتار بزهکارانه داشته است. به عبارت دیگر (۲۸ درصد) از تغییرات گرایش به رفتار بزهکارانه در میان گروه حاشیه نشین، به تنهایی ناشی از صمیمیت بین اعضای خانواده می باشد که البته ضریب بتای (۰/۵۳۳-) نشان می دهد این همبستگی معکوس است. همچنین سطح معنی داری (۰/۰۰) نیز نشانگر معنی دار بودن این رابطه در سطح (۹۹ درصد) است. در مجموع، در میان گروه حاشیه نشین، متغیرهای وارد شده طی ۴ مرحله، با همبستگی (۰/۷۱۵)، ضریب تعیین (۰/۵۱۲)، ضریب بتای (۰/۵۳۳-) و سطح معنی داری (۰/۰۰)، بیش از (۵۱ درصد) از تغییرات گرایش به رفتار بزهکارانه را تبیین می نمایند. توجه به ضریب بتا و سطح معنی داری به ترتیب نشانگر معکوس بودن همبستگی و

معنی دار بودن این رابطه در سطح (۹۹ درصد) است.

جدول ۲۶: تحلیل چند متغیره در گروه حاشیه‌نشین برای پیش‌بینی متغیر وابسته

مرحله	متغیر وارد شده	R	R2	تغییرات R2	اشتباه استاندارد
اول	صمیمیت بین اعضای خانواده	۰/۵۳۳	۰/۲۸۴	۰/۲۸۴	۹/۰۳۸۸۴
دوم	استفاده از رسانه خارجی	۰/۶۳۰	۰/۳۹۷	۰/۱۱۳	۸/۳۲۵۲۹
سوم	تعداد دوستان مجرم	۰/۶۹۲	۰/۴۷۹	۰/۰۸۲	۷/۷۶۵۷۱
چهارم	وابستگی به دوستان	۰/۷۱۵	۰/۵۱۲	۰/۰۳۳	۷/۵۴۴۲۵

جدول ۲۷: عناصر درون معادله برای پیش‌بینی متغیر وابسته در گروه حاشیه‌نشین

مرحله	نام متغیر	مقدار ثابت a	ضریب B	Beta	T	Sig T
اول	صمیمیت اعضای خانواده	۵۸/۰۱۲	-۱/۳۳۳	-۰/۵۳۳	-۷/۴۴۷	۰/۰۰
دوم	استفاده از رسانه خارجی	۵۰/۴۸۳	۲/۰۰۳	۰/۳۴۷	۵/۱۰۲	۰/۰۰
سوم	تعداد دوستان مجرم	۳۹/۶۶۳	۱/۸۹۵	۰/۳۲۸	۵/۱۶۴	۰/۰۰
چهارم	وابستگی به دوستان	۲۸/۳۵۹	۰/۶۵۱	۰/۲۱۶	۳/۰۳۷	۰/۰۰

متغیر تعداد دوستان مجرم، با همبستگی (۰/۵۵۷) و ضریب تعیین (۰/۳۱)، بیش از (۵۵ درصد) تغییرات گرایش به رفتار بزهکارانه را در میان گروه غیر حاشیه‌نشین تبیین می‌نماید (جدول ۲۸). همچنین میزان ضریب بتای (-۰/۵۳۳) نشانگر همبستگی معکوس، و سطح معنی‌داری (۰/۰۰) نیز نشانگر معنی‌دار بودن این رابطه در سطح (۹۹ درصد) است. متغیرهای وارد شده طی ۳ مرحله، با همبستگی (۰/۶۴)، ضریب تعیین (۰/۴۱)، ضریب بتای (-۱/۳۱۶) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰)، بیش از (۵۱ درصد) از تغییرات گرایش به رفتار بزهکارانه را تبیین می‌نمایند. توجه به ضریب بتا و سطح معنی‌داری نشانگر معکوس بودن همبستگی و معنی‌دار بودن این رابطه در سطح (۹۹ درصد) است (جدول ۲۹).

جدول ۲۸: تحلیل چند متغیره در گروه غ. حاشیه‌نشین برای پیش‌بینی متغیر وابسته

مرحله	متغیر وارد شده	R	R2	تغییرات R2	اشتباه استاندارد
اول	تعداد دوستان مجرم	۰/۵۵۷	۰/۳۱۰	۰/۳۱۰	۹/۸۸۹۸۱
دوم	صمیمیت بین اعضای خانواده	۰/۶۱۳	۰/۳۷۶	۰/۰۶۶	۹/۴۳۲۴۰
سوم	نظارت خانواده	۰/۶۴۰	۰/۴۱۰	۰/۰۳۴	۹/۲۰۲۶۷

جدول ۲۹: عناصر درون معادله برای پیش‌بینی متغیر وابسته در گروه غیر حاشیه‌نشین

مرحله	نام متغیر	مقدار ثابت a	ضریب B	Beta	T	Sig T
اول	تعداد دوستان مجرم	۲۴/۵۶۶	۱/۳۷۱	۰/۵۵۷	۸/۶۸۴	۰/۰۰
سوم	صمیمیت اعضای خانواده	۳۷/۴۹۲	-۰/۶۷۱	-۰/۲۶۶	-۴/۲۰۶	۰/۰۰
سوم	نظارت خانواده	۴۴/۸۷۹	-۱/۳۱۶	-۰/۱۹۶	-۳/۰۷۳	۰/۰۰

پیرامون کل نمونه مورد بررسی جدولهای (۳۰) و (۳۱) بیانگر آن هستند که متغیر تعداد دوستان مجرم، با همبستگی (۰/۵۲۲) و ضریب تعیین (۰/۲۷۲)، بیشترین میزان گرایش به رفتار بزهکارانه را تبیین می‌نماید. از سوی دیگر میزان بتای (۰/۵۲۲) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰) نشانگر همبستگی معکوس و نیز معنی‌دار بودن این رابطه در سطح (۹۹ درصد) است. لازم به ذکر است که متغیرهای وارد شده طی ۵ مرحله، با همبستگی (۰/۶۵۹)، ضریب تعیین (۰/۴۳۵)، بتای (-۰/۱۴۵) و (۹۹ درصد) سطح معنی‌داری، بیش از (۴۳ درصد) از تغییرات متغیر وابسته یعنی گرایش به رفتار بزهکارانه را تبیین می‌نمایند که با توجه به ضریب بتا، این همبستگی معکوس است.

تفسیر نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیره گام به گام نشان می‌دهد که متغیرهای صمیمیت بین اعضای خانواده، میزان استفاده از رسانه‌های خارجی، تعداد دوستان مجرم و وابستگی به دوستان، در گروه حاشیه‌نشین، همچنین متغیرهای تعداد دوستان مجرم، صمیمیت بین اعضای خانواده و نظارت خانواده در گروه غیر حاشیه‌نشین، و متغیرهای تعداد دوستان مجرم، صمیمیت بین اعضای خانواده، میزان استفاده از رسانه‌های خارجی، وابستگی به دوستان و نظارت خانواده برای

کل نمونه، مهمترین متغیرهایی هستند که تغییرات متغیر وابسته را در این پژوهش تبیین می کنند. این متغیرها برای گروه حاشیه نشین (۵۱ درصد)، برای گروه غیر حاشیه نشین (۴۱ درصد) و برای کل نمونه (۴۲ درصد) از واریانس متغیر وابسته (گرایش به رفتار بزهکارانه) را تبیین می کنند. در مجموع ارزیابی یافته ها نشان می دهد که مدل پژوهش حاضر از قدرت تبیین و پیش بینی بالایی برخوردار است.

جدول ۳۰: تحلیل چند متغیره در کل نمونه آماری برای پیش بینی متغیر وابسته

مرحله	متغیر وارد شده	R	R2	تغییرات R2	اشتباه استاندارد
اول	تعداد دوستان مجرم	۰/۵۲۲	۰/۲۷۲	۰/۲۷۲	۹/۶۶۹۰۴
دوم	صمیمیت بین اعضای خانواده	۰/۶۰۲	۰/۳۶۲	۰/۰۹۰	۹/۰۶۶۷۲
سوم	استفاده از رسانه خارجی	۰/۶۲۸	۰/۳۹۴	۰/۰۳۲	۸/۸۵۰۴۵
چهارم	وابستگی به دوستان	۰/۶۴۵	۰/۴۱۶	۰/۰۲۲	۸/۷۰۱۱۳
پنجم	نظارت خانواده	۰/۶۵۹	۰/۴۳۵	۰/۰۱۹	۸/۵۷۴۷۳

جدول ۳۱: عناصر درون معادله برای پیش بینی متغیر وابسته برای کل نمونه

مرحله	نام متغیر	مقدار ثابت a	ضریب B	Beta	T	Sig T
اول	تعداد دوستان مجرم	۲۵/۱۹۳	۱/۲۳۲	۰/۵۲۲	۱۰/۷۴۶	۰/۰۰
دوم	صمیمیت اعضای خانواده	۴۰/۵۴۲	-۰/۷۹۱	-۰/۳۱۵	-۶/۶۰۰	۰/۰۰
سوم	استفاده از رسانه خارجی	۳۷/۹۷۲	۱/۱۲۷	۰/۱۸۳	۴/۰۳۶	۰/۰۰
چهارم	وابستگی به دوستان	۲۹/۷۲۶	۰/۵۰۰	۰/۱۶۵	۳/۴۱۵	۰/۰۰
پنجم	نظارت خانواده	۳۵/۷۳۹	-۰/۹۸۲	-۰/۱۴۵	-۳/۱۸۱	۰/۰۰

متغیرهای خارج شده از معادله گام به گام

جدول های شماره (۳۲)، (۳۳) و (۳۴) بیانگر متغیرهای خارج شده از معادله رگرسیون گام

به گام در بین دو گروه و کل نمونه است. در ارزیابی و مقایسه متغیرهای خارج شده از معادله

رگرسیون گام به گام در بین گروه های مورد بررسی مشاهده می شود که در گروه حاشیه نشین ۹ متغیر، در گروه غیر حاشیه نشین ۱۰ متغیر و برای کل نمونه مورد بررسی ۸ متغیر از معادله خارج شده اند.

جدول ۳۲: متغیرهای خارج شده از جدول به روش گام به گام گروه غ. حاشیه نشین

Sig T	T	Beta	همبستگی جزئی	متغیر وارد شده
۰/۵۲۷	-۰/۶۳۴	-۰/۰۳۹	-۰/۰۴۹	سن
۰/۱۵۲	-۱/۴۴۱	-۰/۰۸۷	-۰/۱۱۱	معدل سال پیش
۰/۷۰۳	۰/۳۸۲	۰/۰۲۳	۰/۰۳۰	پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده
۰/۲۳۹	-۱/۱۸۲	-۰/۰۸۰	-۰/۰۹۲	تعلق خاطر به مدرسه
۰/۱۲۳	۱/۵۵۲	۰/۰۹۹	۰/۱۲۰	وابستگی به دوستان
۰/۵۹۴	۰/۵۳۴	۰/۰۳۳	۰/۰۴۲	استفاده از رسانه های خارجی
۰/۲۲۸	۱/۲۱۰	۰/۰۷۳	۰/۰۹۴	استفاده از رسانه های داخلی
۰/۵۰۵	۰/۶۶۸	۰/۰۴۰	۰/۰۵۲	استفاده از کل رسانه ها
۰/۴۹۲	-۰/۶۸۸	-۰/۰۴۲	-۰/۰۵۳	تراکم اقامتی
۰/۲۰۰	۱/۲۸۷	۰/۰۷۹	۰/۱۰۰	داشتن مجرم در خانواده

جدول ۳۳: متغیرهای خارج شده از جدول به روش گام به گام گروه حاشیه نشین

Sig T	T	Beta	همبستگی جزئی	متغیر وارد شده
۰/۱۱۶	۱/۵۸۳	۰/۰۹۸	۰/۱۳۴	سن
۰/۴۳۶	-۰/۷۸۱	-۰/۰۴۸	-۰/۰۶۷	معدل سال پیش
۰/۳۳۹	-۰/۹۵۹	-۰/۰۶۱	-۰/۰۸۲	نظارت خانواده
۰/۰۶۶	۱/۸۵۲	۰/۱۱۰	۰/۱۵۷	پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده
۰/۴۵۷	-۰/۷۴۵	-۰/۰۴۹	۰/۰۶۴	تعلق خاطر به مدرسه
۰/۵۰۱	-۰/۶۷۵	-۰/۰۴۶	-۰/۰۵۸	استفاده از رسانه های داخلی
۰/۴۴۵	۰/۷۶۶	۰/۰۴۷	۰/۰۶۶	استفاده از کل رسانه ها
۰/۷۰۱	-۰/۳۸۴	-۰/۰۲۳	-۰/۰۳۳	تراکم اقامتی
۰/۸۹۷	۰/۱۳۰	۰/۰۰۸	۰/۰۱۱	داشتن مجرم در خانواده

جدول ۳۴. متغیرهای خارج شده از جدول به روش گام به گام کل نمونه

Sig T	T	Beta	همبستگی جزئی	متغیر وارد شده
۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سن
۰/۱۵۳	-۱/۴۳۳	-۰/۰۶۲	-۰/۰۸۲	معدل سال پیش
۰/۱۰۳	۱/۶۳۴	۰/۰۷۲	۰/۰۹۳	پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده
۰/۱۵۵	-۱/۴۲۴	-۰/۰۶۸	-۰/۰۸۱	تعلق خاطر به مدرسه
۰/۶۵۱	۰/۴۵۳	۰/۰۲۱	۰/۰۲۶	استفاده از رسانه‌های داخلی
۰/۱۷۷	۱/۳۵۲	۰/۰۵۹	۰/۰۷۷	استفاده از کل رسانه‌ها
۰/۳۸۲	-۰/۸۷۵	-۰/۰۳۸	-۰/۰۵۰	تراکم اقامتی
۰/۴۲۵	۰/۸۰۰	۰/۰۳۶	۰/۰۴۶	داشتن مجرم در خانواده

بحث و نتیجه‌گیری

با توسعه شهرها و ایجاد محله‌های پرجمعیت، زندگی ساده و مبتنی بر روابط عاطفی و همدلی، جای خود را به یک زندگی مبتنی بر روابط رسمی و بی‌روح همراه با فردگرایی مفرط، تضعیف انسجام و همبستگی اجتماعی، شکست‌ها و عقده‌های روانی پنهانی و امیال سرکوب شده و آرزوهای ناکام مانده و تشدید احساس درماندگی، سرخوردگی، ناتوانی و اجحاف داد، که پیامد همه این عوامل، عصیان روزافزون انسان‌ها و به‌ویژه نسل جوان در برابر واقعیت‌های اجتماعی و نیروهای سرکوبگر بیرونی است.

نظریه پردازان جامعه‌شناسی انحرافات، انحراف اجتماعی را به عنوان شیوه رفتاری که برخلاف وفاق جامعه است، در نظر گرفته و آنرا به عدم هم‌نویی با یک هنجار یا مجموعه‌ای از هنجارها که مورد قبول بیشتر اعضای یک جامعه واقع شده است، تعریف نموده و اصطلاح بزهکاری را هنگامی به کار می‌برند که عاملین چنین شیوه رفتاری، افراد زیر سن قانونی باشند (احمدی و ایمان، ۱۳۸۴).

ذکر این نکته ضروری است که بزهکاری مقوله‌ای منحصراً حقوقی یا جمعیتی نیست، بلکه پدیده‌ای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است و عوامل به‌وجود آورنده آن در جوامع مختلف یکسان نیست و مناطق از نظر نوع بزه، شدت و ضعف، تعداد و نیز از نظر عوامل متفاوتند.

این تفاوت‌ها را می‌توان در شهرها، روستاها و حتی در مناطق مختلف و محله‌های یک شهر مشاهده نمود. در هر جامعه و محیطی سلسله عواملی همچون شرایط جغرافیایی، اقلیمی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، موقعیت خانوادگی، تربیتی، شغلی و طرز فکر و نگرش خاصی حاکم است که هر یک از این‌ها در حسن رفتار و یا بدرفتاری افراد مؤثر است.

عوامل اجتماعی خانواده

برخی از نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات نظیر نظریه بوم‌شناختی (شاو و مک‌کی، ۱۹۴۲) و نظریه فشار (مرتن، ۱۹۳۸) با استناد به آمارهای رسمی انحرافات اجتماعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده را از متغیرهای مربوط به بزهکاری دانسته‌اند. صاحب‌نظران این نظریه‌ها بر این باورند که احساس محرومیت جوانان در خانواده‌های با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، نبود شرایط مناسب زندگی و ارضای نامناسب نیازهای جوانان، آنان را به سمت رفتار بزهکارانه سوق می‌دهد. این نظریه‌ها، موقعیت شغلی، سطح تحصیلی و درآمد والدین را به عنوان شاخص‌های عمده پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده در نظر گرفته و تأثیر این شاخص‌ها را بر رفتار بزهکارانه جوانان نشان داده‌اند (مرتن، ۱۹۵۷، کوهن، ۱۹۵۵، کلووارد و اهلاین، ۱۹۶۰، میلر، ۱۹۷۵). این نظریه‌ها همچنین به ناتوانی والدین از ارائه پاداش‌های مناسب به رفتارهای به‌نجار اشاره می‌کند. عدم ارضای نیازهای جوانان و به تأخیر انداختن کامیابی‌های آنان در خانواده‌هایی که فقر اقتصادی و اجتماعی دارند، توجیهی است برای جوانانی که تنها به ارضای تمایلات و آرزوهای کوتاه مدت خود از طریق رفتار بزهکارانه عمل می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

علی‌رغم یافته‌های نظری بیان شده بررسی یافته‌های پژوهش حاضر رابطه معنی‌داری را بین این دو متغیر نشان نمی‌دهد. در تبیین این مسئله می‌توان به این نکته اشاره داشت که افراد نمونه مورد بررسی علیرغم برخورداری از خانواده‌های فقیر از لحاظ اقتصادی و سطح پایین درآمدی، به سبب رهایی از چنگال فقر اقتصادی و تلاش برای کسب موقعیت اجتماعی بالاتر، عزم خود را جزم کرده تا از طریق تحصیل علم، پایگاه اقتصادی و اجتماعی خود را ترقی دهند، لذا کمتر گرایش به انحراف و کجروی دارند.

همچنین نتایج حاصل از بررسی یافته های پژوهش حاضر، حاکی از همبستگی قوی و معکوس بین نظارت خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دو گروه مورد مطالعه و نیز کل نمونه مورد بررسی است. به این صورت که هرچه خانواده نظارت بیشتری بر اعمال و رفتار فرزندان داشته باشد، فرزندان گرایش کمتری به رفتارهای بزهکارانه از خود نشان داده اند. بر اساس نظریه «کنترل» دورکیم، هنجارشکنی و کجروی افراد ریشه در عدم کنترل صحیح و کارای آنان دارد، به طوری که هرچه میزان کنترل بیشتر باشد و نظارت های گوناگون از راه های مستقیم و غیرمستقیم توسط والدین وجود داشته باشد، میزان همنوایی فرد با خانواده بیشتر خواهد بود. هیرشی (۱۹۶۹) نیز در آزمون نظریه کنترل اجتماعی دریافت که افزایش تقید جوانان به والدین و گذران بیشتر اوقات فراغت فرزندان با خانواده، گرایش جوانان به بزهکاری را کاهش می دهد.

آشفته گی کانون خانواده یکی از عوامل مهم سوق یافتن فرزندان به سوی انحرافات اجتماعی است. خانواده های آشفته به سبب ناکارآمدی و تطبیق ناپذیری به خوبی وظایف خود را به لحاظ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تربیتی ایفا نمی کنند و علاوه بر این که خود با مشکل مواجه می شوند، جامعه را نیز به نوعی تحت تأثیر و در معرض آسیب قرار می دهند، به طوری که جامعه نیز از وضعیت پدید آمده برای این خانواده ها متضرر شده و زمینه توسعه آسیب های اجتماعی را از محیط خانه به اجتماع فراهم می آورد. بر این اساس دانش آموزانی که مشکلات خانوادگی دارند، بیش از دیگران در معرض انحراف قرار گرفته و در واقع انحراف برای آنها نوعی واکنش منفی نسبت به عملکرد والدین و نمایی از بزرگ شدن است. بنابراین درک ارتباط بین روابط خانوادگی (که با شاخص هایی نظیر میزان گذران اوقات فراغت فرزندان با والدین و دیگر اعضای خانواده در مقایسه با گذران اوقات فراغت با دوستان شان، در میان گذاشتن مسائل شخصی خود با والدین و میزان ارتباط بین والدین و فرزندان اندازه گیری می شود) و گرایش به رفتار بزهکارانه از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. نتایج حاصل از تحلیل یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که همبستگی مستقیمی بین آشفته گی خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دو گروه مورد مطالعه وجود دارد، با این تفاوت که این رابطه در میان پاسخگویان گروه حاشیه نشین نسبت به گروه غیر حاشیه نشین قویتر است. به عبارت دیگر فقر می تواند آثار سوء آشفته گی خانوادگی را تشدید کند.

طبق مطالعات انجام شده بی ثباتی و از هم پاشیدگی خانوادگی در اثر فقدان پدر یا مادر یا

هر دو به علت مرگ، طلاق و غیره یا به عبارت بهتر گسیختگی خانواده از دیگر مؤلفه‌های مهم در سوق یافتن نوجوانان و جوانان به سمت و سوی بزهکاری و انحرافات اجتماعی است. بررسی نتایج این پژوهش حاکی از عدم رابطه بین گسیختگی خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه است. نکته قابل اشاره این است که هیچ یک از پاسخگویان با طلاق والدین روبرو نشده‌اند و فقط تعدادی از آنها با گسیختگی ناشی از فوت مواجه شده‌اند. در تبیین این مسئله در جامعه مورد مطالعه می‌توان به این نکته اشاره نمود که فردی که با از دست دادن والدین سعی در جبران ناکامی دارد، با تمرکز بیشتر بر جنبه‌های مثبت زندگی خود، رغبت بیشتری برای پیشرفت از خود نشان می‌دهد. همچنین توجه هرچه بیشتر سایر افراد فامیل به افراد یتیم خانواده، و پایداری بیش از پیش مادران بی‌شوهر نسبت به زندگی و آینده فرزندان یتیم خود که ریشه در سنت‌ها و فرهنگ مردم منطقه دارند، سبب توجه و نظارت بیشتر بر فرزندان می‌شود.

در صورتی که یکی از اعضای خانواده دارای انحرافات باشد، زوال اخلاقی به وجود آمده از این انحراف، باعث بروز مشکلات تربیتی برای سایر افراد خانواده خصوصاً نوجوانان و جوانان خواهد شد. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر تفاوت معنی دار بین داشتن مجرم در خانواده و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان غیرحاشیه‌نشینان و نیز کل نمونه آماری است، و این در حالی است که این متغیر تفاوت معنی داری با گرایش به رفتار بزهکارانه در میان حاشیه‌نشینان ندارد.

مدرسه

بررسی یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که همبستگی قوی و معکوسی بین تعلق خاطر نسبت به مدرسه و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان کل نمونه و نیز در بین دو گروه مورد مطالعه وجود دارد. همچنین با وجود آنکه نیمی از نمونه آماری مورد بررسی هیچ تمایلی برای فرار از مدرسه ندارند، اما با این حال پاسخگویان حاشیه‌نشین به نسبت گروه دیگر، اندکی بیشتری تمایل به فرار از مدرسه دارند.

همسالان

گروه همسالان و دوستان الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار و رفتار هستند که تأثیر آنها در رشد شخصیت افراد به خصوص در حوالی سن بلوغ کمتر از تأثیر خانواده

بست؛ چرا که فرد پس از خانواده، زیر نفوذ این گروه قرار می‌گیرد. ساترلند در نظریه انتقال فرهنگی کجروی بر این نکته تأکید دارد که رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران آموخته می‌شود و همان‌گونه که هم‌نویان از طریق ارتباط با افراد سازگار، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی گروه و جامعه را پذیرفته و خود را با آن انطباق می‌دهند، افراد در ارتباط با دوستان ناباب و هنجارشکن، به سمت و سوی ناهمنوایی سوق داده می‌شوند (بنی اسدی، ۱۳۸۳: ۴۵). ارزیابی یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رابطه بین تعداد دوستان بزهکار و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دو گروه مورد بررسی و کل نمونه در بالاترین سطح معنی‌دار است و همبستگی مستقیم و شدیدی بین این دو متغیر وجود دارد.

ژان سزال جرم‌شناس فرانسوی معتقد است که عواملی مانند مدیریت و اعمال قدرت تربیتی ناسالم در خانواده سبب می‌شود که فرد نقطه اتکایی خارج از خانه بیابد و پیوستن به گروه از نظر یک نوجوان جستجوی دائمی است که به او امکان می‌دهد تا آنچه را ندارد جبران کند. او به وسیله همانند سازی رؤس در جستجوی اثبات وجود امنیت عاطفی و زور و قدرت است (احمدی، ۱۳۷۶).

رسانه‌ها

رسانه‌ها می‌توانند از جمله مؤلفه‌های درخور توجه در ایجاد انگیزه روی آوری جوانان به سمت بزهکاری و رفتارهای انحرافی باشند. به اعتقاد ساترلند (۱۹۴۲) جوانان در فرایند یادگیری اجتماعی به تقلید از رفتار دیگران می‌پردازند و از طریق رسانه‌ها برخی از رفتارهای بزهکارانه نظیر پرخاشگری و خشونت را می‌آموزند. باندورا (۱۹۷۳) نیز به یادگیری اجتماعی و نقش رسانه‌های گروهی به‌ویژه تلویزیون در شکل دادن به رفتارهای پرخاشگرانه و بزهکارانه تأکید کرده است.

با وجود آنکه ارزیابی یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از عدم رابطه معنی‌دار بین میزان استفاده از رسانه‌های داخلی و گرایش به بزهکاری در میان گروه غیر حاشیه‌نشین است، اما همبستگی معنی‌دار و معکوسی بین این دو متغیر در میان گروه حاشیه‌نشین وجود دارد.

در پی ورود برخی مطبوعات مبتذل، عامه‌پسند و جنجالی به عرصه رسانه‌های کشور و استفاده این نشریات از عناوین جنجالی و هیجانی و همچنین بهره‌گیری از شخصیت‌های سینمایی و

هنری و درج اخبار بی محتوا و توأم با بزرگ‌نمایی، انعکاس بیش از حد اخبار مربوط به بازیگران سینما و توجه مفرط به اخبار و حوادث، توجه تعداد قابل توجهی از نوجوانان و جوانان به مطالب مندرج در آن‌ها جلب شده است. این مسئله موجبات فراهم آوردن زمینه‌های آسیب‌های اجتماعی مختلف شده است. از سوی دیگر ترویج روحیه استقلال طلبی غیر منطقی در سنین نوجوانی، تسوع طلبی، عدم رعایت احترام به نظرات والدین و برخاشگری نسبت به بزرگ‌ترها، ترویج فرزندسالاری، مادی‌گرایی و ... به وسیله پخش برخی از فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی، می‌تواند در شیوع این پدیده در میان حاشیه نشینان مؤثر باشد.

نقش محصولات فرهنگی خارجی به ویژه ماهواره و اینترنت نیز در رواج بی‌بند و باری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پایبندی مذهبی و بلوغ زودرس نوجوانان در مسائل جنسی حائز اهمیت است. بررسی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که همبستگی معنی‌دار و شدیدی بین میزان استفاده از تولیدات فرهنگی خارجی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دو گروه و نیز کل نمونه مورد مطالعه وجود دارد. پخش شمار قابل توجهی از فیلم‌های سینمایی و سریال‌های با مضامین زندگی‌های مجردگونه غربی توأم با جذابیت، نشاط، رفاه، موفقیت و به‌طور کلی با تصویرسازی مثبت از این نوع زندگی‌های از هم گسیخته، از طریق شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای خارجی، نقش مؤثری در تقویت انگیزه گریز از قید و بندهای خانوادگی و هنجارها و ارتکاب جرایم اجتماعی ایفا کرده است. همچنین رواج سی. دی‌های مبتذل در بین نوجوانان زمینه‌های انحراف جنسی را در بین آنها فراهم و تقویت می‌کند.

عوامل جمعیت‌شناختی

در بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی بر گرایش به رفتار بزهکارانه، ارزیابی و تفسیر نتایج نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین سن و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان غیرحاشیه‌نشینان وجود دارد، اما این متغیر رابطه‌ای با گرایش به رفتار بزهکارانه در میان حاشیه‌نشینان ندارد. در مجموع و در بررسی رابطه سن همه پاسخگویان با متغیر وابسته نیز رابطه معنی‌داری مشاهده نمی‌شود. توجه به دامنه سنی محدود پاسخگویان که حاکی از نزدیک بودن سن آنها با یکدیگر و نیز در سن بلوغ بودن آنهاست، به تبیین این مسئله کمک می‌کند. همچنین یافته‌های پژوهش بیانگر آنند که تفاوت معنی‌داری بین محل تولد و گرایش به

رفتار بزهکارانه وجود ندارد، که با توجه به اینکه بیش از (۷۵ درصد) پاسخگویان دو گروه متولد شهر ایلام می‌باشند، رد شدن این فرضیه دور از انتظار نیست.

بررسی یافته‌های حاصل از تحلیل آماری نشان می‌دهد که هیچ ارتباط معنی‌داری بین متغیر میزان تراکم اقامتی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان دو گروه مورد مطالعه و نیز در بین کل نمونه آماری وجود ندارد. همانگونه که پیشتر اشاره شد، با وجود فقر اقتصادی افراد مورد بررسی، علاقه به پیشرفت و رهایی از فقر در بین دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها، موجب کاهش گرایش به رفتارهای انحرافی است.

عوامل بوم‌شناختی

اندازه جمعیت، تراکم اجتماعی و سکونت و ناهماهنگی اجتماعی در ارتباط با زندگی شهری منجر به تخریب حمایت‌های اجتماعی و روابط نزدیک و جایگزین آنها با مکانیزم‌های رسمی کنترل رسمی و غیرشخصی و سازمان‌های بوروکراتیک می‌شود. بر اساس دیدگاه بوم-شناختی زندگی در نواحی کلان‌شهرها، به بی‌برنامگی (آشفستگی)، آنومی و خصایصی چون ضعف پیوندهای اجتماعی و از بین رفتن حمایت‌های اجتماعی منجر می‌شود. زندگی در این محیط‌ها به فشارهای فیزیکی و روانی برای مهاجران منجر می‌شود، به طوری که به آنها احساس از خود بیگانگی و جدایی دست می‌دهد. بنابراین در صورتی که این مدل اتفاق بیفتد، مهاجران در محیط‌های شهری با چالش‌های قابل توجهی در حفظ سلامت روانی و فیزیکی مواجه می‌شوند، به طوری که نظام حمایت اجتماعی برای آنها ضعیف می‌شود (Schwirian, 1993: 287). به اعتقاد پارک و برگس اقلیت‌های قومی هنگامی که به عنوان مهاجر وارد کلان‌شهرها می‌شوند، از فرهنگ همگن خود جدا شده و به عنوان یک خرده‌فرهنگ وارد گروه‌بندی‌های ساکنان شهری می‌شوند. این فرایند تبدیل گروه‌های اقلیت به گروه‌های خرده‌فرهنگی، همراه با پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین، ساکنان این منطقه را مستعد رفتار انحرافی می‌کند. سکونت در زاغه‌نشین‌های شهر^۱ موجب پیدایش خرده‌فرهنگ بزهکارانه گردیده و به شیوع جرم و بزهکاری منتهی خواهد شد (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۶).

با وجود تأکید نظریات بوم‌شناختی بر تأثیر عوامل بوم‌شناختی در گرایش به رفتار بزهکارانه، نتایج پژوهش حاضر گویای این نکته است که حوزه سکونتگاهی و نیز ایل یا طایفه

پاسخگویان رابطه‌ای با گرایش به رفتار بزهکارانه از خود نشان نداده‌اند. در تبیین این یافته می‌توان به مهاجر نسل اول یا دوم بودن بیش از (۸۰ درصد) پاسخگویان و تعلق هر یک از آنان به یکی از ایلات منطقه اشاره نمود. مهاجران که برای دستیابی به زندگی بهتر و پیشرفت، راه مهاجرت به شهر را در پیش می‌گیرند، در هر نقطه از شهر که زندگی کنند، آمال و آرزوهای خود را فراموش نخواهند کرد و برای رسیدن به اهداف خود، سعی در دوری از مسایل و آسیب‌های اجتماعی دارند.

همچنین بررسی یافته‌ها بیانگر رابطه بین خرده‌فرهنگ زبانی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان غیرحاشیه‌نشینان است. این در حالی است که این دو متغیر در میان حاشیه‌نشینان و نیز کل نمونه آماری مورد بررسی تفاوت معنی‌داری با هم ندارند. در تبیین این مسئله نیز می‌توان به پایبندی بیشتر حاشیه‌نشینان به سنت‌ها و رسوم اصیل منطقه، و بروز از خودبیگانگی به سبب زندگی شهری در میان غیر حاشیه‌نشینان اشاره نمود.

منابع و مآخذ

۱- منابع فارسی

- احمدی، حبیب (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
- احمدی، حبیب (۱۳۷۶). نظریه‌های انحرافات اجتماعی. شیراز: انتشارات رز.
- احمدی، حبیب و محمدتقی ایمان (۱۳۸۴). "فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده‌پاله شیراز." مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان. سال نوزدهم. شماره ۲. ص ۹۹.
- امجدیان، فیروز (۱۳۷۵). بررسی تأثیر عوامل فرهنگی در بروز بزهکاری جوانان شهر کرمانشاه. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمانشاه: شورای پژوهشی.
- بیات، بهرام (۱۳۸۴). "بررسی پدیده حاشیه‌نشینی در استان تهران." فصلنامه تخصصی - کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی. تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی. شماره اول.

بیانلو، یوسف (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین عوامل جمعیت‌شناختی و شرایط بوم‌شناختی با نوع جرم و نرخ جرم در شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز: دانشکده علوم اجتماعی.

بنی‌اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۳). بررسی انحرافات اجتماعی ناشی از بیکاری در شهر سمنان. سمنان: معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی.

زاهد زاهدانی، سعید (۱۳۸۰). حاشیه‌نشینی. چاپ دوم. شیراز: نشر دانشگاه.

کرامتی، مهدی (۱۳۸۴). "بررسی میزان احساس امنیت در بین حاشیه‌نشینان شهرستانهای استان تهران". فصلنامه تخصصی کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی. شماره اول.

کورنیلوم، ویلیام و جوزف حولیان، (۱۳۸۰). "مسئله اجتماعی". ترجمه علی موسی نژاد، فصلنامه فرهنگی پژوهشی فرهنگ ایلام، شماره هفتم و هشتم، یاییز و زمستان.

قاسمی، یارمحمد (۱۳۷۹). "در جستجوی یک نظریه آسیب‌شناختی". فصلنامه فرهنگی، پژوهشی فرهنگ ایلام، شماره دوم، تابستان.

مافی، عزت‌اله (۱۳۷۸). "مهاجرت و رابطه آن با بزهکاری". فصلنامه جمعیت، سال هشتم، شماره ۲۸ و ۲۷.

مسعودی‌فر، رضا (۱۳۸۵). "تأثیر حاشیه‌نشینی در وقوع جرم".

[Online]. <<http://www.hoqouq.com/article-print-262.html>>

[۲۸.۶.۱۳۸۵]

مشکانی، زهرا و منصور رضوی (۱۳۸۵). "بزهکاری به عنوان آسیب اجتماعی". کتاب

جامع بهداشت عمومی، جلد سوم. چاپ دوم. فصل ۱۲. گفتار ۴. [Online].

<http://www.elib.hbi.ir/persian/Public_Health_eBook/Volume_1.htm>.

[7 Jan 2007]

نقدی، اسداله و رسول صادقی (۱۳۸۵). "حاشیه‌نشینی چالشی فراوری توسعه پایدار

شهری". فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰.

هرشفیلد. پال (۱۳۸۴). تأثیر فقر شهری بر بزهکاری نوجوانان. ترجمه حیدر رضایی. تهران: پایگاه اطلاع رسانی شهرسازی و معماری.
[Online]. <<http://www.uan.ir/news/?id=114>> [13 october 2006]

Agnew, R.(1991). "The interactive effects of peer variables on delinquency." *American Journal of Criminology*. Vol. 29, No. 1, pp. 47-72.

Ahmadi, H.(1995). *Juvenile delinquency in the Illawara region. Australia: university of Wollongong.*

Armengol, A.C. & T. Verdier, & Y. Zenou.(2006). "Strong and weak ties in employment and crime." *Journal of Public Economics*. in press, corrected proof, available.

[Online]. <<http://www.sciencedirect.com/science>>. [20 July 2006].

Hirschi, T.(1979). "Separate but unequal is better." *Journal of Research in Crime and Delinquency*. No.16, pp. 34-38.

Schwirian, O. K. & M. P. Schwirian.(1993). "Neighboring, residential satisfaction and psychological well-being inurban elders." *Journal of Community Psychology*, Vol. 21, pp .285-299.

[Online]. <<http://www.sciencedirect.com/science>>. [20 July 2006].

Tawanchai, J. & M. J. Prince. & T. Harpham.(2005). "Rural to urban migration, childhood abuse and risk for mental health problems. across sectional population-based survey in Pathumthani, Thailand", *International Population Conference Tours, France*.

Vold, G. B.(2001). *Theoretical criminology*, New York: Oxford University Press.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی